



رنگ مغلوب

خلاصه ای از تئوری آلبنیسم

نویسنده:

رویان صولتی

## فهرست

صفحه	عنوان
۱	فصل اول؛ راز سفید
۲	۱-۱ مقدمه
۲-۴	۲-۱ آنچه خواندیم
۵	۳-۱ مساله
۶	فصل دوم؛ واکنش
۷	۱-۲ مقدمه
۷-۱۴	۲-۲ پاسخ
۱۵	فصل سوم؛ فانتزی سفید
۱۶	۱-۳ مقدمه
۱۶-۱۸	۲-۳ خوی غارت
۱۹	۳-۳ تمدن سیاه
۱۹-۲۲	۱-۳-۳ مصر باستان

۲۳	۲-۳-۳ ایران باستان
۲۴	۱-۲-۳-۳ کاربرد برجسته نمایی
۲۵	۲-۲-۳-۳ ملتهای تحت سلطه
۲۵ - ۲۹	۳-۲-۳-۳ پارسیان
۲۹ - ۳۰	۴-۲-۳-۳ تاجیکی (فارسی دری)
۳۱	فصل چهارم؛ زیرگونه
۳۲	۱-۴ مقدمه
۳۲ - ۳۵	۲-۴ زیرگونه
۳۵ - ۳۸	۳-۴ ماریا؛ فرشته ای کوچک
۳۸ - ۴۰	۴-۴ روش ساخت زیرگونه ی نوردیک
۴۰ - ۴۲	۵-۴ زیبای آفریقا
۴۳	فصل پنجم؛ اثبات با استنباط
۴۴	۱-۵ مقدمه
۴۴	۲-۵ کتب مقدس

۴۴-۴۶	۵-۲-۱ معجزه ی موسی
۴۶-۵۲	۵-۲-۲ ذوالقرنین در شرق
۵۳	فصل ششم؛ نتیجه گیری
۵۴	۶-۱ مقدمه
۵۴-۵۷	۶-۲ جمع بندی و نتیجه گیری
۵۸	چند ویدئوی مرتبط
۵۹-۶۸	منابع

# فصل اول

## راز سفید

## ۱-۱ مقدمه

قضیه از آنجایی شروع شد که چند سال پیش مهمانی داشتیم که در حال تماشای شبکه ای انگلیسی بود، پس از لحظاتی گفت "چقد این اروپایا سفیدن... زالن!"، من هم تائید کردم! گذشت و گذشت تا اینکه پارسال داشتم در مورد موضوعی می سرچیدم که به عکسی از الیور کان برخورددم و یاد صحبت آن مهمانمان افتادم. از همین رو به انگلیسی سرچ کردم "European people are albinos" یعنی "اروپاییان زال اند"! اینچنین بود که سایت [realhistoryww.com](http://realhistoryww.com) را یافتم. همین که متوجه شدم نویسندگان آن سایت؛ علت سفید پوست بودن اکثر مردم کنونی خاورمیانه و ایران را نسلگیری اجداد آنان با ترکان بیان کرده اند؛ دیگر خواندن آن را ادامه ندادم، چون هم افکار ضد ترکی داشتم و هم اینکه سفیدپوستان را برتر از سیاهپوستان می دانستم، از همین رو نمی توانستم بپذیرم که ایرانیان باستان سیاهپوست بودند! پس از گذشت چند روز، چون نمی توانستم به راحتی از آن موضوع بگذرم؛ به آن سایت بازگشتم و این بار بدون تعصب مطالبش را خواندم. بعد از مدتی، آنچنان جذب "نظریه ی آلبینسم" شدم که تصمیم گرفتم آن را با سایر فارسی زبانان نیز به اشتراک بگذارم، بنابراین "راز سفید" را در قالب فایل پی دی اف منتشر کردم.

## ۱-۲ آنچه خواندیم

در راز سفید خواندیم که تا کنون چهار نوع زالی طبقه بندی شده است که در زالی نوع دو؛ پوست به سفیدی نوع یک نیست بلکه کمی قرمز-گون است (یعنی ملانین کمی هم وجود دارد)، در این زالی رنگ چشمها معمولاً آبی اند و رنگ مو در طیف رنگهای قرمز (از زرد خیلی روشن تا قرمز خیلی تیره) قرار دارد. [۱-۳]

خواندیم چنانچه دو زال که زالی مشابهی دارند با یکدیگر زاد ولد داشته باشند؛ فرزندان آنان نیز همگی زال

خواهند بود. [۴]



در عکس بالا؛ خانواده ای هندی مبتلا به زالی  $OCA2$  را می بینید، چون زوج و زوجه هر دو زالی مشابهی دارند؛ هر پنج فرزند آنان نیز زال به دنیا آمده اند، هر تعداد فرزند دیگری هم که بیاورند؛ زال خواهند بود.

گفته شد که دراویدیان هند در حالت نرمال خود سیاهپوستند، آنها قفقازی-وار به شمار می روند [۵] یعنی از نظر ساختار و فرم بدن و چهره شبیه به اروپاییان هستند (تنها فرق آنها با اروپاییان در این است که سیاهپوستند)، حال اگر آنها زال  $OCA2$  باشند؛ نمی توانید آنها را از اروپاییان تمیز دهید!



کلوز-آپی از مادر خانواده ی بالا (پوست سفید قرمزگون، چشمان آبی و موی طلایی روشن)



همچنین خواندیم که:

- ۱ - یافته های محققان ثابت می کند که بومیان اروپا حتی تا هزاره های اخیر هم؛ سیاهپوست بودند. [۶, ۷]
- ۲ - کشف مومیایی های تاریم باسین چین ثابت کرد که مردم اروپایی -چهره هزاران سال قبل در دشتهای آسیای مرکزی زندگی می کرده اند. [۸, ۹]
- ۳ - سرگذشتنامه نویسان باستانی چین؛ از قومی "سفیدپوست و مو قرمز با چشمانی آبی" یاد کرده اند که در مرزهای شمال غربی چین (آسیای مرکزی) زندگی می کردند. مورخان رومی و یونانی نیز از ورود "سفیدپوستانی مو قرمز و چشم آبی" از آسیای مرکزی به اروپا خبر دادند. سفراء، تجار و جهانگردان عرب روزگاران صدر اسلام نیز؛ خزرها و قرقیزها را مردمی با "پوست سفید، موی قرمز و چشمانی آبی" توصیف کردند. [۱۹- ۱۰]
- ۴ - آن مردم بومی قطب شمال که با سفیدپوستان وصلتی نداشته اند؛ تیره-پوستند. پس اگر مردمی بنا بود به علت زندگی در شرایط سرد و قطبی سفیدپوست، مو بلوند و چشم رنگی شوند؛ مردم بومی قطب شمال بوده اند (نه سفیدپوستانی که از آسیای مرکزی به سایر نقاط جهان مهاجرت کرده اند). [۲۷- ۲۰]
- ۵ - بیماریهای پوستی (خصوصا سرطان پوست) در مردم اروپای امروزی بیشتر از مردم سایر مناطق جهان است. در اروپا؛ سرطان پوست در کشورهایی که مردم سفیدپوست تری دارند؛ بیشتر است. [۳۱- ۲۸]
- ۶ - مردم سفیدپوست ژن مشترکی دارند. زیرشاخه های هاپلوگروپ R (R1a , R1b) هاپلو-تایپهای غالب در میان اروپاییان اند. هاپلوگروپ R خود زیر مجموعه ای از هاپلوگروپ P به شمار می رود. این هاپلوگروپ (P) هزاران سال قبل در **مناطق جنوبی آسیا** رشد کرده و امروزه هاپلوگروپ غالب در میان بومیان تیره-پوست آن مناطق است. [۳۷- ۳۲]

### ۱-۳ مساله

با توجه به اینکه:

۱ - اروپاییان سفیدپوست و سیاهپوستان دراویدی؛ نزدیکترین رابطه ی ژنتیکی را با یکدیگر دارند. [۳۸]

۲ - زالهای OCA۲ دراویدی؛ اروپایی-چهره هستند.



۳ - زال OCA۲ پوستی سفید مایل به صورتی، موی روشن از بور تا قرمز و چشمانی معمولاً آبی دارد. [۱-۳]

۴ - چنانچه دو زال که زالی مشابهی دارند با یکدیگر زاد ولد داشته باشند؛ فرزندان آنان نیز همگی زال خواهند

بود. [۴]

۵ - زالی ارثی است. [۱-۴]

فرض کردیم که "سفیدپوستان امروزی از نسل زالهای OCA۲ درون-آمیخته ی دراویدی" هستند و در ادامه سعی

بر اثبات آن داشتیم.

## فصل دوم

### واکنش

## ۲-۱ مقدمه

پس از قرار دادن "راز سفید" در وبلاگم ([turkiclie.blogfa.com](http://turkiclie.blogfa.com))؛ همانطور که انتظار می رفت، نظرات مختلفی داده شد. عده ی کمی اظهار شگفتی کردند اما بسیاری واکنش منفی نشان دادند و حتی فردی دیگر هم آن بخش را (به اصطلاح خودش) نقد کرد و تئوری آلبنیسم را خیالبافی و مهملات خواند. در این فصل به انتقادات وارد شده به راز سفید می پردازم.

## ۲-۲ پاسخ

واکنش ۱: زالی (آلبنیسم) بین همه ی مردم دنیا با هر رنگ و فیزیک و نژادی به وجود می آید، این فقط دراویدی ها نیستند که می توانند بچه های زال داشته باشند، بنابراین به همین راحتی می توان تئوری آلبنیسم را نادرست خواند.

پاسخ: نه من و نه سایر کسانی که روی تئوری آلبنیسم کار کرده اند؛ نگفته ایم که "فقط دراویدیان می توانند بچه های زال داشته باشند و دیگر مردم دنیا چنان ویژگی ندارند!". بلکه صحبت بر سر این است که اروپاییان سفیدپوست و دراویدیان سیاهپوست بیشترین شباهت ژنتیکی را به یکدیگر دارند، پس در گذشته ها مردمی واحد بوده اند. از آنجایی که ۱- بسیاری از فرضیات و نظریات تاریخی (مثل فرضیه ی کورگان) حاکی از این است که اولین سفیدپوستان در آسیای مرکزی زندگی می کردند. ۲- زالی نوع دو (OCA۲) سبب می شود که فرد زال موهای بور، چشمان آبی (یا سبز و ...) و همچنین پوست سفید مایل به صورتی داشته باشد. چنانچه فردی دراویدی مبتلا به زالی باشد؛ شباهت بسیار زیادی به اروپاییان نوردیک می دهد. ۳- زالی ارثی است و چنانچه دو فرد که زالی مشابهی دارند با یکدیگر زاد ولد کنند؛ تمام بچه هایی که به دنیا خواهند آورد نیز زال خواهند بود و چنانچه فرزندان، سپس

نوه ها و فرزندان نوه و نتیجه ی این دو نیز با یکدیگر زاد ولد کنند (درون-آمیزی)؛ پس از سالها و قرنها گروه بزرگی از زالها به وجود خواهد آمد، و همچنین اگر درون-آمیزی به مدت زیادی ادامه داشته باشد؛ ویژگی های این زالها نهادینه شده و آنها می توانند با غیر زالها (سیاهپوستان) نیز زاد ولد کرده و این ویژگی ها را به نسلهای آینده ی خود انتقال دهند. گفتیم که چنین اتفاقی به احتمال بسیار زیاد؛ بین دراویدیان باستان افتاده، یعنی زالهای آنها مجبور به زاد ولد با یکدیگر شده اند و زیرگونه ی سفید امروزی را ساخته اند.

واکنش ۲: زالها بینایی ضعیفی دارند اما سفیدپوستان امروزی بینایی خوبی دارند، پس این نظریه درست نیست.

پاسخ: همه ی زالها بینایی ضعیفی ندارند، بستگی به این دارد که فرد چه نوع زالی داشته باشد. در زالی نوع دو؛ ضعف بینایی به شدت سایر زالی ها نیست و در بسیاری از موارد فرد زال؛ بینایی خوبی دارد. جدا از این موضوع؛ گفتیم که زالهای دراویدی درون-آمیخته؛ پس از ورود به سرزمین های دیگر با بومیان آن مناطق (که نرمال یعنی تیره-پوست بودند) زاد ولد داشتند و به این دلیل نسل های بعدی آنها به شدت آنها ضعف و عیب نداشتند. البته باید تحقیقی صورت بگیرد تا میزان ضعف بینایی میان سیاهپوستان و سفیدپوستان را اندازه بگیرد، به نظر می رسد که سفیدپوستان بسیار بیشتر از سیاهپوستان؛ عیوب بینایی دارند. [۳۹]

واکنش ۳: سفیدپوستان امروزی از زالهای هندی به وجود نیامده اند و بلکه بومی مناطق سرد و یخبندان اند، یعنی به این دلیل سفیدپوست شده اند.

پاسخ: مردم بومی قطب شمال تیره-پوست اند (جز آنهایی که با سفیدپوستان وصلت داشته اند)، پس اگر بنا بود کسانی به دلیل زندگی در مناطق سرد و کم نور سفید شوند؛ آنها بومیان قطب شمال بودند (نه مردمی که در مناطق معتدل تا گرم آسیای مرکزی زندگی می کردند). [۲۷-۲۰]

واکنش ۴: خرس قطبی سفیدپوست است ولی زال نیست، پس مردم سفیدپوست نیز زال نیستند و بلکه به دلیل زندگی در مناطق سرد و قطبی سفیدپوست شده اند.

پاسخ: خرس قطبی "سفیدپوست" نیست، آن چیزی که شما به آن "پوست سفید" می گوئید؛ موهای آن حیوان اند. اگر موهایش را کنار بزنید یا قیچی کنید؛ پوست سیاهش را خواهید دید. [۴۰]

واکنش ۵: سیاهپوستان آفریقایی اگر به سرزمین های شمالی که خنکترند؛ مهاجرت کنند و سالها در آنجا بمانند؛ روشن-پوست تر می شوند. آیا همین ثابت نمی کند که "سفیدپوستان از انطباق با آب و هوای سرد به وجود آمده اند"؟ جدا از این موضوع؛ چنانچه مردم به ظاهر تیره-پوست کشور خودمان به شهرهای شمالی مهاجرت کرده و در رفاه زندگی کنند؛ پس از مدتی سفیدپوست می شوند. این را چگونه توضیح می دهید؟

از کدام سیاهپوستان آفریقایی سخن می گوئید؟ شاید منظور شما تعدادی از آمریکایی های به اصطلاح آفریقایی تباری باشد که سیاه محض نیستند، اگر این است؛ باید بدانید که در آفریقا تمام فنوتیپهای انسانی وجود دارد و همچنین تمام آفریقایی ها سیاه محض نیستند. بعضی چون مردم "سان" پوستی مایل به زرد دارند، آنها هزاران سال است که در اطراف بیابان سوزان کالاهاری زندگی کرده اند (نه در مناطق معتدل یا سرد). به جز این؛ باید ژنتیک فردی که گمان می کنید به علت زندگی در مناطق سرد؛ روشن تر شده است را نیز بررسی کنید؛ شاید او جدی سفیدپوست هم داشته باشد!

حتی به جز این موارد؛ باید بدانید که بدن در مناطق سرد و برفی هم به ملانین نیاز دارد! وجود ملانین نه تنها در مناطق آفتابی سبب می شود اشعه ی UV پوست را تخریب نکند که در مناطق سرد و برفی نیز همین کار را انجام می دهد، یعنی پرتوی های UV منعکس از دانه های برف را دفع می کند! [۴۱]

مردم "به ظاهر تیره-پوست" ما هم دو دسته اند، یا عده ای اند که واقعا تیره-پوستند مثل ایرانیان به اصطلاح آفریقایی تبار، یا کسانی اند که آفتاب-سوخته و سرما-سوخته شده اند! دسته ی اول هر کجا که زندگی کنند هم همانطور تیره-پوست خواهند ماند، اما دسته ی دوم چون اجدادی سفیدپوست داشته اند؛ پس از مدتی ریکآوری؛ رنگ اصلی خود را باز می یابند. البته توجه داشته باشید که این دسته ی دوم؛ "سفیدپوست محض" نیستند و بلکه سبزه اند. چرا که اگر سفیدپوستان در چنان وضعیتی قرار گیرند؛ به بیماری هایی چون سرطان پوست دچار شده و قبل از آنکه تا آن حد تیره شوند؛ می میرند. به همین دلیل است که مردم سفیدپوست ترجیح می دهند در مناطقی زندگی کنند که آب و هوایی خنک و کوهستانی دارد.

واکنش ۶: اروپایی ها از ماهی در رژیم غذایی خود استفاده نمی کردند و به این دلیل به مرور زمان سفیدپوست شده اند.

پاسخ: یعنی اگر سیاهپوستان هائیتی که بسیار ماهی می خورند؛ دست از ماهی-خوردن بردارند و تا چندین قرن و هزاره ماهی نخورند؛ سفیدپوست، چشم رنگی و بور خواهند شد؟ پس چرا مردم مناطق مرکزی آفریقا و هند که هزاران سال است در مناطق کم ماهی (و حتی بی ماهی) زندگی می کنند؛ هنوز هم به شدت سیاهپوست اند؟! چرا ایرلندی ها و مردم ژرمنی زبان همسایه شان که اکثر از نسل دریانوردان و ماهیگیران اند؛ هنوز هم سفیدپوست ترین مردم جهان اند و تیره نشده اند؟ (آیا به ماهی دسترسی نداشته اند؟! [۴۲، ۴۳])

واکنش ۷: طبق اصل تکامل هر موجودی با شرایط محیط خودش سازگار می شود، نژادها نیز اینگونه به وجود آمده اند. جدا از این حقیقت؛ همانطور که مشخص است؛ "نظریه ی آلبنیسم" فقط یک نظریه است، پس باید درستی آن ثابت شود.

پاسخ: اولاً که تکامل؛ "اصل" نیست بلکه نظریه است، پس درستی آن باید ثابت شود! ثانیاً نژاد واژه ای است که در همین سده های اخیر به وجود آمده و کاربردی علمی ندارد. ثالثاً منشا به اصطلاح نژاد سفید؛ دشتهای آسیای میانه بوده است، آیا سازگاری با هوای معتدل یا گرم نژادی سفید به وجود آورده است؟! رابعاً نمی توان یک نظریه را با نظریه ای دیگر رد کرد، برای رد یک نظریه باید از اصول موضوعه و حقایقی استفاده کرد که درستی آنها قبلاً به اثبات رسیده است. خامساً مدارک زیادی دال بر درست بودن نظریه ی آلبینسم عرضه شده که اگر منطقی باشید و نخواهید لجاجت کنید؛ همان ها اثبات کننده ی این نظریه اند.

واکنش ۸: چند سال پیش تست ژنتیک دادم (در اروپا) که نشان داد هاپلوگروپ جد پدری ام C و هاپلوگروپ جد مادری ام B است. شما گفتید که هاپلوگروپ سفیدپوستان R است، من سفیدپوست و تا حدودی بورم اما همانطور که گفتم؛ نه جد پدری من R بوده و نه جد مادری ام. پس این حرف شما نمی تواند درست باشد!

پاسخ: اولاً این من نبوده ام که گفته ام "هاپلوگروپ R هاپلوگروپ سفیدپوستان است"، بلکه این نظر خیلی از محققان و متخصصان ژنتیک است! [۴۴] ثانیاً کمی به معنای دی ان ای جد پدری و جد مادری دقت کنید. دی ان ای جد پدری یعنی مشخص کردن "پدر پدر پدر ... پدر پدر شما" و دی ان ای جد مادری یعنی مشخص کردن "مادر مادر مادر ... مادر مادر شما". در واقع؛ برای اینکه بدانید کدام یک از اجداد شما از هاپلوگروپ R بوده اند که ویژگی های آنها در شما پدیدار شده، باید "مادر مادر مادر... پدر پدر"، "پدر پدر پدر... مادر پدر"، "مادر مادر مادر... مادر پدر"، "مادر مادر مادر... پدر مادر"، "پدر پدر پدر... پدر مادر" و همچنین "پدر پدر پدر... مادر مادر" خود را نیز بدانید! شما در حال حاضر فقط جد پدری پدر و جده ی مادری مادر خود را شناسایی کرده اید ولی از جده پدری پدر، جد مادری مادر، جد و جده ی مادر پدرتان و جد و جده ی پدر مادرتان؛ چیزی نمی دانید! اگر پدربزرگها و مادربزرگهایتان زنده اند؛ از آنها نیز تست دی ان ای بگیرید [۴۵]



واکنش ۹: چون سیاهپوستان سالها تحت فشار بوده اند؛ چنین نظریه ای ساخته اند تا کمی از دردهایشان کاسته شود!

و بر همین مبنا این نظریه درست نیست!

پاسخ: استدلال شما درست نیست. چه اشکالی دارد که تحت فشار بودن باعث یک کشف بزرگ شود؟! خیلی وقت

ها وقتی که تحت فشاریم؛ شکوفاتر می شویم. از ۲۳ سال پیش یعنی از وقتی که خانم ولزینگ پایه های این نظریه را

ریخت تا به امروز؛ محققان و متخصصان بسیاری روی این تئوری کار کرده اند، پس این نظریه حاصل حدس و

گمان و خیالبافی نبوده است، پس چه فرقی می کند که آن را یک سیاهپوست مطرح کرده باشد یا یک

سفیدپوست؟

واکنش ۱۰: اگر چنین چیزی درست بود؛ تا الآن در مورد آن بسیار شنیده بودیم و درستی آن هزار بار ثابت شده

بود.

پاسخ: استدلال شما درست نیست. ما تا کنون در مورد پری دریایی، غول چراغ جادو و ... بسیار شنیده ایم، آیا آنها

واقعیت دارند چون فقط به این علت که در موردشان زیاد شنیده ایم؟! مسلماً کسانی که از چند قرن پیش تا همین

امروز تمام تلاش خود را کرده اند تا تاریخ را تحریف کرده و اینگونه خود را همه کاره ی تاریخ نشان دهند؛ به این

راحتی که شما فکر می کنید؛ به حقیقت اعتراف نخواهند کرد، بلکه تا بتوانند همه چیز را به نفع خود نشان می دهند.

واکنش ۱۱: اگر تمامی تمدن های مهم بشری را سیاهپوستان ساخته اند و سفیدپوستان مردمی تازه به دوران رسیده

اند؛ پس چرا امروزه تمامی افراد مهم دنیا سفیدپوستند و سیاهپوستان نقش چندانی در امور دنیا ندارند؟

پاسخ: کاش منظورتان از "مهم بودن" را واضح بیان می کردید. اگر منظور شما از "فرد مهم" سیاستمدار مهم باشد؛

پرزیدنت قوی ترین کشور زمین از لحاظ اقتصادی و نظامی (اوباما؛ پرزیدنت آمریکا)؛ یک سیاهپوست است. اگر

منظور شما از "فرد مهم" ورزشکار مهم باشد؛ چند تن از قویترین مردان جهان (مارک فلیکس)، اکثر بوکسورهای مهم تاریخ دنیا، بهترین MMA کار تاریخ (اندرسون سیلوا)، حداقل یکی از بزرگترین بازیکن های تاریخ فوتبال دنیا (پله)، حداقل یکی از برترین کشتی گیران تاریخ WWE (دواین جانسون) و بسیاری دیگر همگی سیاهپوست بوده اند. اگر منظور شما از "فرد مهم" خواننده باشد؛ در هر ژانری که نگاه کنید (به جز سبکهای متال)؛ سیاهپوستان فرمانروای آن بوده اند، از باب مارلی و مایکل جکسون تا بیانسه و فیتی سنت. اگر منظورتان از "فرد مهم" بازیگر باشد؛ هلی بری، مرگان فریمن، ویل سمیت و دنزل واشنگتن، و اگر منظور شما از "فرد مهم" دانشمند، مخترع و مکشف باشد؛ جرج واشنگتن کارور، گرت مرگان و ارنست جاست؛ همگی سیاهپوست بوده اند. [۵۲-۴۶]

اکثر افراد مهم بالا آمریکایی هستند، چرا که سیاهپوستان در آمریکا بیشتر از هر جای دیگری فرصت ابراز وجود پیدا کرده اند. امروزه مردم کشورهای سیاهپوست آفریقایی از عقب نگه داشته ترین ملل زمین اند، ولی ثروتمندترین و سالم ترین (سالم نگه داشته ترین) کشورهای دنیا؛ معمولا کشورهای اروپایی و سایر کشورهایی اند که اکثر جمعیتشان را سفیدپوستان تشکیل می دهند [۵۴, ۵۳]. اگر سیاهپوستان آفریقایی در شرایطی برابر با اروپاییان زندگی می کردند؛ شک نداشته باشید که امروزه وضع دنیا به کلی فرق می کرد و زمین چهره ی دیگری داشت.

واکنش ۱۲: تمام/این نظریه و تمام حرفهایی که شما زده اید؛ حاصل تخیلات و توهمات یک پان-ترک بوده است، همین کارها را می کنند که مردم برایشان جوک می سازند. تا نباشد چیزی؛ مردم نگویند چیزها!

پاسخ: (آنقدر این واکنش بچگانه بود که نیازی نمی دیدم به آن پاسخ دهم اما چه باید کرد که افرادی از این دست؛ کم نیستند!) نظریه ی آلبینسم شاخه ای از فرضیه ی ملانین است که اولین بار ۲۳ سال پیش، توسط آکادمیک

سیاهپوست آمریکایی؛ خانم دکتر فرانسیس ولزینگ<sup>۱</sup> در کتاب The Isis Papers: The Keys to the Colors مطرح شد. از آن موقع تا کنون؛ دهها محقق چون لئونارد جفریز<sup>۲</sup>، کارول بارنز<sup>۳</sup>، اریک دایسون<sup>۴</sup> و بسیاری دیگر روی آن کار کرده اند و در موردش نظر داده اند، در نتیجه این نظریه را فقط یک نفر طرح نکرده است. پس شما بهتر است کمی خودتان را درگیر آموزش دیدن کنید، چرا که یک فرد آموزش-دیده و با منطق آشنا؛ یک نظریه ی مستدل و منطقی را تنها "تخیلات و توهمات **یک** متعصب نژادپرست" نمی داند و در مورد هیچ چیز حکمی کلی صادر نمی کند.

---

<sup>۱</sup> - Frances Welsing

<sup>۲</sup> - Leonard Jeffries

<sup>۳</sup> - Carol Barnes

<sup>۴</sup> - Eric Dyson

# فصل سوم

## فانتزی سفید

### ۳-۱ مقدمه

دامنه ی تحریف تاریخ آنقدر زیاد، وسیع و عمیق بوده است که بسیاری از ملتهای امروزی به سختی می توانند برای خویش هویتی تاریخی بیابند. امروزه آنقدر سفیدپوستان برتر نشان داده شده اند که اگر حتی ادعا شود تمدنهای باستانی آفریقای غربی نیز توسط سفیدپوستان بنا شده بوده و سیاهپوستان نقشی در شکل-گیری آنها نداشته اند و بلکه در آنجا نیز به بردگی مشغول بودند؛ بسیاری باور کرده و لحظه ای هم حتی شک نمی کنند. در این فصل به فانتزی های می پردازیم که تاریخ واقعی قلمداد می شود و بسیاری بر اساس آنها؛ جبهه گیری می کنند.

### ۳-۲ خوی غارت

از مردمی که به زور اسلحه وارد کشوری بیگانه می شوند، بومیان آنجا را می کشند و در آنجا نظامی آپارتاید بر پا می کنند؛ هیچ انتظاری نداشته باشید که بعد از مدتی به بیگانه بودن خویش معترف باشند و خود را صاحبان اصلی آن مملکت معرفی نکنند! فقط کافی بود که چند قرن قبلتر از قرن هفدهم وارد آفریقای جنوبی شوند، اگر امکانات و توان نظامی اش را می داشتند؛ حتما اگر امروزه یک سیاهپوست بومی را در نه فقط در آفریقای جنوبی که در کل قاره ی آفریقا می دیدیم؛ شگفت زده می شدیم و اگر به ما گفته میشد که بومیان اصلی آن قاره سیاهپوست بودند؛ باور نمی کردیم! این فقط داستان آفریقای جنوبی نبوده که سفیدپوستان تا چندی پیش؛ در آنجا خود را صاحب خانه کرده و آن را به نام خود زده بودند، که در همه جای نقاط دنیا چنین رفتار بربرانه ای انجام داده اند.

به هر سرزمینی (به جز سرزمینهای آسیای میانه) که بنگریم؛ بومیان اصلی آن سیاهپوست بوده اند. گرچه امروزه اکثر مردم استرالیا و نیوزلند سفیدپوستند اما بومیان آنجا سیاهپوستانی بودند که اولین گروه مهاجران بشری را تشکیل می

داده اند. گرچه اکثر مردم آرژانتین امروزی سفیدپوستند اما بومیان آنجا تیره-پوستان به اصطلاح سرخپوست بوده

اند. نه فقط آرژانتین که بومیان اصلی تمام سرزمینهای قاره ی آمریکا تیره-پوست بوده اند. [۵۹-۵۵]

قرن ها پیش از ورود سفیدپوستان به قاره ی آمریکا؛ سیاهپوستان آفریقایی تبار تمدنی به نام Olmec را در آن قاره

بنا نهاده بودند [۶۰] اما امروزه با اینکه هم سیاهپوستان آفریقایی تبار و هم سفیدپوستان؛ از مناطق دیگر به آنجا

مهاجرت کرده اند اما فقط منشا سیاهپوستان را ذکر می کنند (یعنی می گویند آمریکاییان آفریقایی تبار) اما ننشیده

ایم که منشا سفیدپوستان را هم ذکر کنند، طوری که انگار سفیدپوستان بومی آنجا هستند و فقط سیاهپوستانند که به

آنجا مهاجرت کرده اند! برای پی بردن به قصد سیاستمداران استعمارگر سفیدپوست؛ قول زیر را که گوشه ای از

سخنان "بنجامین فرانکلین" در سال ۱۷۵۱ میلادی؛ تحت عنوان "آمریکا به عنوان سرزمین فرصت" است؛ بخوانید.

برای دریافت متن اصلی این مقاله؛ عبارت America as a Land of Opportunity را بسرچید. [۶۱]

"چرا باید پنسیلوانیایی که توسط انگلیسی ها بنا شده؛ کلنی ای برای بیگانگان شود؟ همان کسانی که در عرض مدت

کوتاهی آنقدر پرجمعیت خواهند شد که ما را هم ژرمنی خواهند کرد، به جای اینکه ما آنها را آنگلوئی (انگلیسی)

کنیم. آنها اگر حتی رنگ پوست ما را هم بپذیرند؛ هرگز زبان و جامه ی ما را نخواهند پذیرفت... (در ادامه) که مرا

هدایت می کند تا خاطر نشان کنم که شمار مردم سفید اصیل (نه سبزه و گندمی و ...) در دنیا نسبتا بسیار کم است.

تمام آفریقا سیاه و قهوه ای (تیره تر از سبزه) است، آسیا عمدتا قهوه ای است، آمریکا (قاره ی آمریکا) هم کاملا

همانطور است، در اروپا؛ اسپانیایی ها، ایتالیایی ها، فرانسوی ها، روس ها و سوئدی ها عموما چیزی

هستند که ما به آن سبزه می گوییم؛ ژرمن ها هم همانطورند، فقط ساکسون ها اینگونه نیستند، آنها

(ساکسون ها) با انگلیسی ها بدنه ی اصلی مردم سفید را بر روی زمین تشکیل می دهند. کاش که جمعیت خود را

بسیار افزایش می دادند. ما اکنون با از بین بردن چوبها در حال صیقل دادن سیاره مان هستیم تا به این وسیله کاری

کنیم که این سمت زمین (آمریکا)؛ چهره ای روشن تر از ما به ساکنان زهره و مریخ منعکس کند. چرا ما باید در دیدگان موجودات برتر (همان ساکنین زهره و مریخ!) مردم خود را تیره تر کنیم؟ چرا جمعیت فرزندان آفریقا (سیاه پوستان و تیره-پوستان ساکن در اروپا و آمریکا) را در آمریکا افزایش دهیم، در جایی که ما فرصتی طلایی داریم که سیاهان و قهوه ای ها را خارج کرده و جمعیت مردم دوست داشتنی سفید و سرخ (سرخ یعنی همان سفیدپوستان سرخگون؛ نه تیره-پوستان به اصطلاح سرخپوست!) را افزایش دهیم؟ بله من به رنگ پوست مردم کشورم حساسم، و چنین دلبستگی و حساس بودنی در تمام ابنا بشر وجود دارد."



از راست به چپ: جان هشتم؛ امپراتور بیزانس، و الکسیس میخالویچ؛ تزار روس

دقت فرمودید؟ ۱- در اروپای قرن هجده؛ اکثر مردم (حتی ژرمن ها هم) سبزه بودند و فقط آنگلو-ساکسون ها سفیدپوست بودند! پس چرا اکنون اکثر اروپاییان سفیدپوستند؟ (پاسخ در بررسی هاپلوگروپ R نهفته است)، این سخنان به خوبی نشان می دهد که حتی اگر در اروپا و آمریکا نسل-کشی صورت نگرفته باشد (که با خواندن این سند؛ بعید است)؛ سیاستمداران سفیدپوست چنان پتانسیلی داشته اند! ۲- انگیزه ی بن فرانکلین؛ داشتن مردمی کاملاً سفیدپوست بوده است، حتی اگر به قیمت اینکه بومیان تیره-پوست آنجا را بکشند. بی دلیل نیست که امروزه سیاهپوستان آمریکا را "آمریکایی های آفریقایی تبار" نام می برند!

### ۳-۳ تمدنهای سیاه

در این بخش به معرفی دو تمدنی می پردازیم که بسیاری نمی دانند و نمی خواهند بدانند که توسط سیاهپوستان بنا شده اند.

### ۳-۳-۱ مصر باستان

از نقاشی ها و مجسمه های تازه ساخته شده و تقلبی سفیدپوستان که همه ی افراد و ملت های مهم باستانی را سفیدپوست نشان داده اند که بگذریم؛ اشیای و مجسمه های قدیمی و تصاویر حکاکی شده بر آثار باستانی (مانند مومیایی های مصری، استخوانهای یافت شده در ناحیه ی نکرئوپولیس شهر لرنای یونان و برجسته-نمایی های آپادانا در ایران) به خوبی نشان دهنده ی این است که مردم بومی تمدنهایی چون مصر، یونان و ایران سیاهپوست بوده اند (نه مثل امروز سفیدپوست یا سبزه!).

هیچ لازم نیست که با مراجعه به انجیل و خواندن سخنان ابراهیم متوجه شویم که مصریان زمان از زبان وی چگونه و با چه رنگ پوستی معرفی شده اند [۶۲]، لازم هم نیست که در کتب تاریخی (که اکثرا تحریف شده اند) به دنبال حقیقت بگردیم. با کمی تحقیق و استدلال؛ خود متوجه واقعیت خواهیم شد.

صحرای بزرگ آفریقا از چندین هزار سال قبل از تمدن مصر هم به همین صورت امروزی خود بوده است، این بیابان گرمترین صحرای جهان و خورشیدی ترین نقطه ی زمین است [۶۴، ۶۳]. سفیدپوستان در اسکاندیناوی که آب و هوای خنک و کم نوری دارد؛ بیشترین آمار سرطان پوست را دارند، پس چگونه توانسته اند در صحرای سوزان آفریقا طاقت آورند و به ساخت اهرام مشغول شوند؟!



مصريان باستان سرزمین خود را Kemet به معنای "سرزمین سیاه" می نامیدند [۶۵, ۶۶]. همچنین نگاره های باقیمانده از مصر باستان (که خوشبختانه از دسترس سفیدپوستان در امان بوده اند)؛ مردم بومی مصر را سیاهپوستانی شبیه به اتیوپی و کنیایی های امروزی نشان می دهند. حتی به جز این موارد؛ تست دی ان ای مومیایی های مصری حاکی از این است که آنها آفریقایی بوده اند و ربطی به سفیدپوستان آسیای مرکزی نداشته اند! [۶۷, ۶۸]



Ahmose Nefertari؛ شهبانوی مصری [۶۹]

وقتی سینماگران ما مردم بومی مصر باستان را سفیدپوست و اروپایی-چهره به تصویر می کشند و بردگان آنها را سیاهپوست نشان می دهند (!)؛ یکی از حالات زیر صادق است:

۱ - یا آن سینماگران بدون اینکه بخواهند زحمت تحقیق در مورد موضوعی را بکشند؛ قصد دارند مردم را در آن زمینه "روشن کنند" که در این صورت قصدشان کاملاً ریاکاری است و برای اهداف دیگری فیلم و سریال می سازند.

۲ - یا آنها می دانند که حقیقت چیست اما بنا به دلایلی دوست ندارند یا نمی توانند که آن را بیان کنند که در این صورت بهتر است اصلاً فیلم یا سریال نسازند. چرا که در آینده ای خیلی نزدیک؛ بسیاری از ابهامات تاریخی از بین خواهد رفت و اثر آن سینماگران "از حقیقت به فانتزی" بدل خواهد شد.

۳ - یا فقط برای سرگرمی تلاش می کنند که بهتر است نکنند، چون سینمای هالیوود به بهترین شکل ممکن این

هدف را دنبال می کند. من فکر نمی کنم مخاطبان ایرانی به آن سینما دسترسی نداشته باشند و به همین

دلیل؛ مجبور به دیدن آثار سطح چندمی داخلی باشند!

اکنون این سوال پیش می آید که اگر مصریان امروزی از نسل مصریان باستان نیستند؛ پس چه کسانی اند؟ شاید عده

ای گمان می کنند که مصریان امروزی از نسل اعرابی اند که پس از فتح مصر در آنجا ساکن شدند.

اما حقیقت این است که اعراب دوران ابتدایی اسلام هم سیاهپوست بودند [۷۱، ۷۰]، آنها نیز چون مردم تمامی

تمدنهای سومر، عیلام، پارس، چین، مصر، یونان غیر هلنی، روم و دیگر تمدنهای باستانی؛ مردمی سیاهپوست بودند.

چطور ممکن است شبه جزیره ی سوزان عربستان؛ خواستگاه مردمی سفیدپوست بوده باشد؟!



The Warrior - Adolf Schreyer (1828-1899)



Arab Chieftain And His Entourage - Adolf Schreyer (1828-1899)



Arabs preparing sorgho to make grain - Photo: John Phillips/Terre & Life Pictures/Getty Images Jan 02, 1942

روند روشن پوست شدن مردم خاورمیانه از حکومت عباسیان شروع شد و تا انقراض حکومت عثمانیان ادامه یافت. بنی امیه از غیر عرب چندان در حکومت خود استفاده نمی کردند اما با روی کار آمدن عباسیان؛ پای ترکان آسیای میانه به سرزمین های خاورمیانه باز شد. ابتدا حکومت محلی تاجیکهای سامانی؛ ترکان را به دستگاههای حکومتی وارد کرد، این کار در دوران بعد سبب شکل گیری غزنویان و ادامه ی آن روند؛ موجب روی کار آمدن سلجوقیان و در نهایت عثمانیان شد. حکمرانی و زندگی هزار ساله ی این ترکان سفیدپوست آسیای میانه در سرزمینهای مردم سیاهپوست خاورمیانه (اعراب و ایرانی ها) موجب آن شد که بین آن ییگانگان و مردم بومی این مناطق؛ روابط خانوادگی برقرار شده و در نهایت امروزه؛ درصد بزرگی از مردم این کشورها سفیدپوست باشند.

گرچه حکومت ترکان بر سرزمینهای خاورمیانه سالهاست که تمام شده اما هنوز هم اغلب کسانی که بر این سرزمین ها حکومت می کنند؛ به طور مستقیم ترک تبارند. حتی از روی القاب و نام های خانوادگی آنها نیز می توان چنین چیزی را متوجه شد (فیصل بن **تورکی** آل سعود؛ حاکم پیشین عربستان، **تورکی** بن سعید بن سلطان و همچنین فیصل بن **تورکی** بن سعید؛ حکام پیشین عمان و ...). [۷۴- ۷۲]



از راست به چپ: عمر البشیر؛ پرزیدنت سودان که باور دارد از نسل بنی عباس است، و دو تن دیگر از به اصطلاح اعراب امروزی.

هر سه نفر نمی توانند عرب باشند، یا عمر البشیر عرب است یا آن دو فرد دیگر!

## ۳-۳-۲ ایران باستان

مدتی پیش فردی از شبکه ای می گفت "نمیشه فلان ملت بگه چون اجدادمون مال فلان منطقه بودن؛ باید بریم اونجا رو تصرف کنیم و ساکنینشو بندازیم بیرون. چون اگه اینطوری باشه ما ایرانیا هم باید بریم از مرز چین تا مصر و فتح کنیم چون مرزهای امپراتوری های قدیم ما تا اونجا بوده".

در نگاه کلی درست فرموده اند، هیچ کسی حق ندارد به بهانه ی اینکه اجدادش اهل منطقه یا ناحیه ای بوده اند؛ جایی را به اشغال خود در آورد و ساکنان آنجا را بی خانمان کند. چرا که اگر بنا بر این باشد؛ کل سفیدپوستان دنیا باید به اشغال آسیای مرکزی اقدام کرده و به وطن خویش برگردند! و همچنین بومیان مناطق استرالیا، قاره ی آمریکا و شمال و جنوب آفریقا نیز با سفیدپوستان آن نواحی اعلام جنگ کنند! اما در مثالی که آوردند "تحریف غیرعمد" وجود دارد، گرچه معنای کلی مثال ایشان درست است ولی آن ایرانی هایی که از مرز چین تا مصر را تحت سلطه داشتند؛ ربط چندانی به ایرانیان امروزی نداشتند. آن ایرانیان باستان؛ مردم سیاهپوستی بودند که بر بسیاری از ملل دیگر (چون سغدیان و آریان های سفیدپوست آسیای مرکزی) هم حکومت می کردند.

پلکان شرقی آپادانای تخت جمشید؛ دسته ای از مردم را نشان می دهد که به پادشاه هخامنشی؛ داریوش کبیر، پیشکشی می آورند. برجسته-نمایی محوطه از سه قسمت تشکیل شده است: ۱- دیوار شمالی؛ که در بر دارنده ی شمایی از بزرگان هخامنشی است، ۲- در مرکز که هشت سرباز را نشان داده است و ۳- دیوار جنوبی؛ که نمایندگان تمام ملتهای تحت سلطه را نشان می دهد [۷۵-۸۰]. باید توجه داشت که در آپادانا؛ اسامی ملتهای مختلف آورده نشده و بلکه آن ملتها از روی نوع لباس و مدل مویی که داشتند؛ تمیز داده می شدند. این در بیستون است که داریوش کبیر؛ اسامی بیست و سه ملت تحت سلطه اش را نام برده است. با این وجود؛ امروزه از روی آن اسامی نمی توان فهمید که نمایندگان ملل مختلف در آپادانا؛ نمایندگان چه مللی هستند [۸۱].

### ۳-۲-۱ کاربرد برجسته-نمایی

فرض کنید که سه هزار سال پیش است و پنج ملت پر قدرت دینکا (مردمی در شرق آفریقا)، بومی پاپوا، خویسان (مردمی در جنوب آفریقا)، دراویدی نرمال، و سفیدپوست (دراویدی زال)؛ در گوشه های مختلف کشوری چون ایران امروزی؛ قلمروی خود را دارند و هر یک در قلمروی خود زندگی می کنند، حال امپراتوری تشکیل شده و تمامی این پنج ملت را زیر سلطه خود برده (همه ی قلمروها را به یک قلمرو تبدیل کرده) و اکنون می خواهد برای نشان دادن قدرت و عظمتش؛ نشان دهد که چه کسانی را مطیع خود کرده است. چه می کند؟

در چنان دورانی برجسته-نمایی روش خوبی است. پس برای اینکه نسل های آینده بدانند که چه کسانی مطیع وی بودند؛ ناچار می شود تصویر و سیمای عمومی ملت های مغلوب را بر روی سنگ حکاکی کند. دینکاها قدبلندند و معمولاً موهای بافته ای دارند، بومی های پاپوا قدی متوسط و موهایی تنیده دارند، مردم سان (خویسان) هم قدی متوسط ولی موهایی پیرکرن دارند، دراویدیان نرمال قد متوسط تا بلند و موهایی صاف دارند، سفیدپوست ها هم شبیه دراویدیان اند اما فقط پوست، مو و چشمانی روشن دارند!

کارکرد برجسته-نمایی در دوران باستان همین بوده است، یعنی نشان دادن سیمای عمومی ملت های تحت سلطه. در این میان استثناها نادیده گرفته می شدند، یعنی اگر مثلاً تمام خویسان ها موهای پیرکرن داشتند اما فقط چند نفرشان موهایی صاف داشتند؛ به خاطر آن چند نفر موهای مردم خویسان را صاف نشان نمی دادند و بلکه آن چند نفر بودند که نادیده گرفته می شدند (منطق این را حکم می کند).



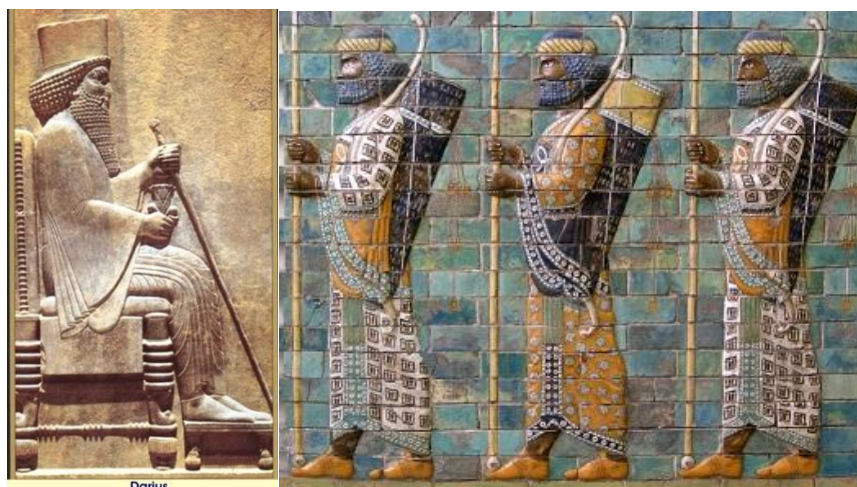
### ۳-۲-۳ ملتهای تحت سلطه

در زیر سیمایی از نمایندگان بیست و دو ملت تحت سلطه ی داریوش کبیر را می بینیم (نمایندگان یکی از ملل؛ که احتمالاً مصر است، در زیر نشان داده نشده است).



### ۳-۲-۳-۳ پارسیان

از تصاویر قسمت قبل می توان فهمید که بیشتر ملل تحت سلطه همچون پارسیان مو-فر بوده اند.



تصویر سمت راست؛ سه سرباز از "گارد جاویدان" را نشان می دهد که همگی موهایی سیاه و فر، پوستی سیاه و چشمانی درشت دارند، در تصویر بعد هم؛ گرچه رنگ پوست داریوش مشخص نشده اما او هم موهایی فر، چشمانی درشت و فرمی شبیه به سه سرباز سمت راست دارد.

حال؛ عکسهای بالا را با تصاویر زیر مقایسه کنید:



دو عکس بالا؛ نگاره هایی از بنی اسرائیل است که به اسارت آشوریان درآمده اند [۸۲]. آیا تفاوتی میان ساختار چهره و موی ایشان با ساختار چهره و موی پارسیان باستان؛ مشاهده می کنید؟



از راست به چپ: دو گارد هخامنشی، ازارهادون پادشاه آشوری

در تصاویر غیر تحریف شده ای که از پارسیان دیدیم؛ باید به سه نکته توجه کنیم:

۱- مو و ریش کاملاً فر آنها

۲- رنگ پوست آنها

۳- ساختار لباس آنها

مو و ریش فر در میان سفیدپوستان بسیار کم است و اصولاً سفیدپوستان اکثراً موهایی صاف و بقیه ی آنها اکثراً موهایی موجی دارند (مگر اینکه با ابزار و وسائل مخصوص؛ موهای خود را حالت دهند) و این در حالی است که امروزه بین سیاهپوستان؛ مو و ریش فر بسیار دیده می شود.

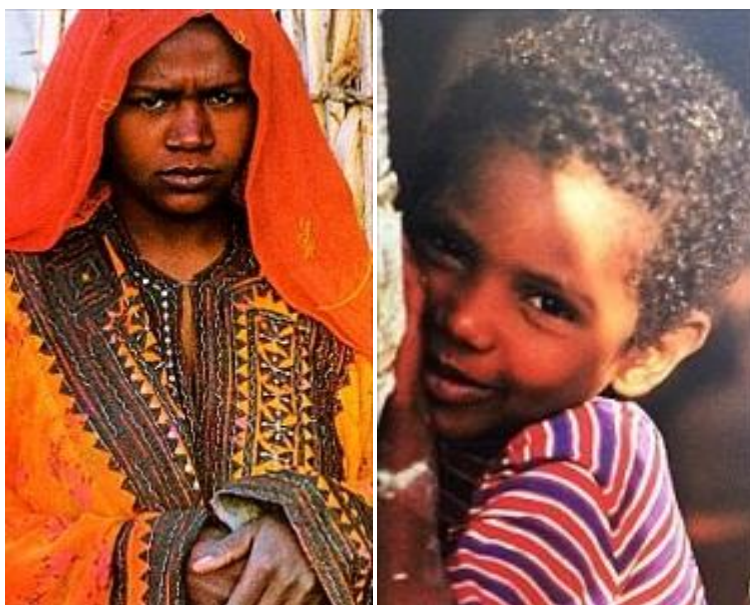


همانطور که مشخص است؛ هخامنشیان و پارسیان اکثراً مو و ریش فر داشتند و به همین علت چهره ی عمومی آنها؛ با مو و ریش فر نشان داده شده است. باید توجه داشت که برخی می گویند "آنها موهای خود را فر می کردند چون فر کردن مو در آن زمان مد بوده است!"، اما همانطور که گفته شد، هدف از برجسته-نمایی های فوق؛ نشان دادن "چهره ی عمومی ملتها" بوده است، نه نشان دادن چهره ی آرایش شده ی آنها!

در مورد رنگ پوست هم نیازی به بیان نیست، کاملاً مشخص است که سیاهپوست بوده اند. در این مورد هم برخی ادعا کرده اند که "آنها چون سرباز بودند و زیر آفتاب سوزان حضور داشتند؛ آفتاب-سوخته شده اند!" اما هر کس



که اندک اطلاعی از آفتاب-سوختگی داشته باشد؛ می داند که یک سفیدپوست قبل از آنکه تا این حد آفتاب-سوخته و سیاه شود؛ حیات را بدرود گفته است! پوست سفیدپوستان در صورت آفتاب-سوختگی ابتدا قرمز شده و اگر چنانچه بیشتر بسوزد؛ فرد را مبتلا به بیماری هایی چون سرطان پوست می کند! جدا از این موضوع؛ بهتر است نگاهی به دست و پاهای سربازان هخامنشی هم بیندازیم، تفاوتی میان رنگ چهره و رنگ دست و پاهایشان نیست.



ایرانیان آفریقایی تبار!

دو عکس بالا مربوط به ایرانیان به اصطلاح آفریقایی تبار است که در نواحی جنوبی ایران زندگی می کنند. همانگونه که مشخص است؛ هم موهایی فر دارند، هم سیاهپوستند و هم لباسی شبیه به لباس پارسیان باستان می پوشند (لباس بلند و منقش آن خانم).

متأسفانه سفیدپوستان اروپانشین برای مخفی کردن هویت و تاریخ واقعی خودشان (مخفی کردن اینکه از نسل زالهای درون-آمیخته ی دراویدی هستند (نه اروپاییان منطبق شده با آب و هوای سرد!؛ می بایست هویت و تاریخ واقعی سرزمین های دیگر را نیز تحریف کنند. به همین دلیل مردم سفیدپوست مهاجر به ایران را؛ ایرانی واقعی، و

بومیان اصلی این سرزمین را از نسل بردگان آفریقایی معرفی کردند. به همین علت است که ترک و تاجیک-زادگان ایران امروزی؛ خود را از نسل مستقیم کوروش و داریوش کبیر می دانند و به این خیال؛ هم وطنان غیر فارسی زبان خود را با تحقیر و تمسخر؛ از نسل چنگیزخان مغول به حساب می آورند! این ترک و تاجیک-زادگان در این مورد تقصیری ندارند، چرا که اجدادشان مجبور بودند که خود را پارسی بنامند.

به نظر می رسد که سیاستهای به اصطلاح ملی گرایانه ی حکومت پهلوی از روی وطن پرستی نبوده، بلکه سیاستهای برنامه ریزی شده رؤسای اروپانشینشان بوده که به اجرا در می آمده اند!

### ۳-۲-۴ تاجیکی (فارسی دری)

اول دبیرستان بودم که بغل دستی ام یک پسر زنجانی بود. من در آن موقع به شدت پان ایرانیست بودم و خود را پارسی اصیل می پنداشتم، گمان می کردم که پارسیان باستان؛ از من سفیدپوست تر و چیزی شبیه به ژرمن های امروزی بودند (در آن موقع اصلا به برجسته نمایی های تخت جمشید توجهی نکرده بودم)! روزی بحث هخامنشیان بود که آن پسر زنجانی وارد بحث شد و هخامنشیان را ترک خواند! می گفت "در ایران ترکها از همه سفیدپوست ترند؛ پس از همه آریایی ترند، هخامنشیان هم چون آریایی بودند به ترکها نزدیکترند تا فارسها!" می گفت "قضاوت کنید که آیا ترکها بیشتر شبیه آلمانی ها هستند یا فارسهای سبزه!" من خود را کنترل کرده و سعی داشتم که اثبات کنم آلمانی ها به "فارسها" نزدیکترند، به همین علت؛ به بررسی شباهتهای دستوری فارسی با آلمانی پرداختم. هنوز شروع نکرده بودم که آن فرد صحبتیم را قطع کرد و گفت "زبون ربطی به ژنتیک نداره، من پسرعمو هام ترکن اما ترکی بلد نیستن و فارسی حرف میزنن؛ بچه هاشونم فارسی حرف میزنن! چون فارسی حرف میزنن؛ فارسن؟! بعد از این سوال هر چه سعی کردم تا طوری قضیه را به نفع خودم تمام کنم؛ باز هم با همین دست پاسخ مواجه شدم!

بله او راست می گفت؛ زبان ربطی به ژنتیک ندارد. چرا که اگر زبان تعیین کننده ی اصل و نسب باشد؛ باید مثلاً تمامی فارسی زبانان همگی از نسل یک زن و شوهر باشند، اما اینگونه نیست و بلکه متعلق به هاپلوگروپهای بسیار متفاوتی اند. پس اگر کسی، "هم-زبانی" را مساوی با "هم-ریشگی" بداند و "هم-زبانان" را یک "قوم" بخواند؛ نادرست سخن گفته است.

بر همین مبنا کسانی که می گویند "فارسی امروزی رایج در ایران از نسل پارسی میانه است؛ پس فارسی زبانان امروزی نیز از نسل پارسیان باستان اند"؛ یا غرضی دارند یا در فانتزی به سر می برند.

## فصل چهارم

### زیرگونه

## ۴-۱ مقدمه

تقریباً یک میلیون سال طول کشید تا هومو-هابیلیس به هومو-ارکتوس تکامل یافته و نزدیک یک میلیون سال دیگر طول کشید تا هومو-ارکتوس به انسان امروزی تکامل یابد [۸۴، ۸۳]. پس دانشمندانی که ادعا می کنند "سفیدپوستان امروزی از نسل سیاهپوستانی اند که به علت کمبود ویتامین دی در اروپا به سفیدپوست تکامل یافتند" یا "انطباق با آب و هوای سرد و یخبندان سبب می شود که انسان سیاهپوست به انسان سفیدپوست تکامل یابد"؛ دانشمند نیستند و از تکامل چیزی نمی دانند، بلکه "راننده ی خودمختار توده ها" هستند، یعنی کسانی اند که مردم به دور از علم را به هر کجا که بخواهند می برند!

نمی شود که رنگ پوست انسان فقط در طول شش تا دوازده هزار سال؛ از سیاه به سفید تکامل یافته و یک ویژگی ژنتیکی شود، این تغییر رنگ پوست را حداقل با "تکامل" نمی توان توضیح داد. ولی این ممکن است که انسانهایی (با یک ژن ارثی ناقص؛ در اینجا زالی OCA۲) به علت تحت فشار بودن از جانب اجتماع یا شرایط سخت آب و هوایی؛ مجبور شوند که خود را تفکیک کرده و "درون-آمیزی" کنند. چنین چیزی بحثی جداست که ربطی به تکامل ندارد! چنین انسانهایی می توانند در یک دوره ی کوتاه؛ زیر-گونه ای جدید و پرجمعیت بسازند که همه ی اعضای آن ژن ناقص مشخصی دارند (ژن P)، یعنی دارای ویژگی مشترکی اند (روشنی پوست یا مو و چشم). بنابراین؛ پوست سفید و بینی باریک (ظریف یا کشیده) ربطی به "انطباق با آب و هوای سرد" و یا "تکامل" ندارد.

## ۴-۲ زیرگونه

۱- از اتیوپی که به غرب قاره ی آفریقا حرکت کنیم؛ سیاهپوستان دینکا و توتسی را در نواحی سودان جنوبی و

رواندا ملاقات خواهیم کرد، این مردم از قدبلندترین ملت‌های دنیا هستند که به طور متوسط ۱۸۰ تا ۱۸۳

- سانتی متر بلندی قامتشان است. هنگام قدم زدن بین آنها احساس کوتاهی خواهیم کرد، چرا که بسیاری از آنها تا هفت فوت (حدوداً ۲۱۰ سانتی متر) و برخی تا هشت فوت (حدوداً ۲۴۰ سانتی متر) نیز قد دارند!
- [۸۵، ۸۶] می گویند بلندی قامت این مردم؛ نسل به نسل در حال کاهش است، چرا که به آب و غذای سالم دسترسی ندارند و سالهاست که در تبعیض و تبعید (مثل نسل-کشی دارفور و رواندا) زندگی کرده اند.
- ۲ - کمی غرب تر از دینکاها و توتسی ها؛ در مناطقی از آفریقای مرکزی و کامرون، مردمی را خواهیم دید که به پیگمی مشهورند، این مردم از کوتاه قامت ترین مردم دنیا هستند که به طور متوسط تا ۱۵۰ سانتی متر قد می کشند! [۸۷، ۸۸]
- ۳ - در اطراف کالاهاری مردمی را می بینیم که به "سان" مشهورند، بسیاری از محققان تاریخ و ژنتیک؛ آنها را از نسل مستقیم قدیمی ترین و ابتدایی ترین انسانهایی می دانند که همه ی مردم امروزی از آنها به وجود آمده اند [۹۱- ۸۹]. خویسان ها چشمانی بادامی، پوستی تیره و مایل به زرد و موهایی پیرکرن دارند.
- ۴ - مردم پاپوا گینه ی نو به همراه سایر بومیان کشورهای اقیانوسیه و جنوب شرقی آسیا؛ از نسل اولین انسانهای مهاجری اند که در جستجوی مکانهای بهتر؛ آفریقا را ترک کردند. این مردم پیشانی پهن، بینی متوسط و موهایی تنیده دارند.
- ۵ - دراویدیان هندی سیاهپوستانی اند که گفته می شود از نسل اولین قفقازی وارها هستند. در واقع اولین قفقازی وارها؛ اجداد همین دراویدیان امروزی بودند [۳۸]. این مردم ساختاری ظریف و کشیده؛ و موهایی صاف دارند. زالهای OCA۲ دراویدی؛ شباهت بسیاری به سفیدپوستان امروزی می دهند.



چه اولین فردی که موهای تنیده دارد و چه دو نفر آخر که موهای صاف دارند؛ همگی موهایشان طبیعی است! بعضی مردم سیاهپوست موهای تنیده، بعضی دیگر وز، بعضی فر، بعضی بافته، بعضی پیر کرن و بعضی هم موهای صاف دارند. نه فقط مو که ویژگی های ساختاری متفاوتی هم دارند. بعضی پیشانی های بلند و کشیده، بعضی کوچک و بعضی هم پیشانی های میانه دارند. بعضی چشمانی گشاد، بعضی میانه و کشیده و بعضی هم چشمانی تنگ و بادامی دارند. بعضی بینی پهن، بعضی ظریف و کشیده، بعضی متوسط؛ بعضی بینی نوک-بالا و بعضی هم بینی نوک-پایین دارند. جدا از همه ی این تفاوت هایی که مردم سیاهپوست با یکدیگر دارند؛ آنها دو ویژگی مشترک دارند، یکی اینکه همگی سیاهپوستند و دیگری اینکه می توانند سفیدپوست تولید کنند! آخرین عکس در ردیف دوم؛ یک سفیدپوست (زال) از خانواده ای دراویدی (سیاهپوست) است.

بر عکس سیاهپوستان؛ سفیدپوستان چنین تفاوت های فنوتیپی ندارند. سفیدپوستان آلمانی، انگلیسی، ایتالیایی، ترکیه ای، سوریه ای، استرالیایی، آمریکایی، ایرانی و ...؛ همگی موهای صاف (گاهی موجی)، پیشانی های میانه، بینی

های کشیده و چشمانی کشیده دارند. تنها فرقی که می توانند داشته باشند؛ این است که برخی روشن ترند و برخی تیره تر! به خودی خود هم توانایی تولید فرزندی تیره-پوست ندارند (مگر اینکه با سیاهپوستی ازدواج کنند)!



کدام یک از افراد بالا آلمانی است؟ کدام یک ایرانی است؟ کدام ترکیه ای؟ و کدام سوریه ای است؟  
 با توجه به اینکه انسان (که در حالت نرمال خود سیاهپوست است)؛ توانایی تولید همه نوع انسانی از قبیل بلندقامت ترین و کوتاه قامت ترین، مو-وز و مو-صاف، چشم-گشاد و چشم-بادامی، بینی-کشیده و بینی-پهن، و همچنین سفیدپوست (زال) دارد. و همچنین با توجه به اینکه اگر دراویدیان زالی که زالی مشابهی داشته باشند؛ می توانند توسط زاد ولد با یکدیگر؛ نسل خود را افزایش دهند و افرادی شبیه به اروپاییان امروزی به وجود آورند؛ نتیجه می گیریم که سفیدپوستان نمی توانند یک نژاد و گونه ی مجزا باشند و بلکه زیر-گونه ای از انسان نرمال (سیاهپوست) به شمار می روند.

#### ۳-۴ ماریا؛ فرشته ای کوچک!

پلیس؛ زوجی یونانی (از جیسی های مهاجر به یونان، مشهور به "زما") را بازداشت می کند. چرا که گمان می رود "ماریا" دختر بچه ی آنها نیست و آن دو؛ وی را دزیده اند تا با او گدایی کنند! [۹۲، ۹۳]





از راست به چپ: زوج رما به همراه ماریا، و ماریا

پس از علنی شدن این ماجرا؛ بسیاری از سفیدپوستان در رسانه ها شروع کردند به بافتن داستان هایی در مورد اصل و نسب ماریا و حتی به وی لقب "فرشته ی بلوند (بور)" دادند.

در این مدت؛ پلیس تحقیقات خود را شروع کرده و درمی یابد که ماریا متعلق به خانواده ی رُمای دیگری است که به علت فقر و نداری؛ ماریا را رها کرده اند (هم پدر و هم مادر ماریا؛ تیره-پوست بوده اند)!



مادر واقعی ماریا به همراه دیگر دختر زالش

مشخص شد که در خانواده ی مادری ماریا؛ زالی OCA۲ وجود داشته و به این علت؛ اکثر خواهر و برادرهای ماریا نیز زال به دنیا آمده اند.

پس از اینکه مشخص شد ماریا یک زال است؛ رسانه هایی که به او لقب "فرشته ی بلوند" داده بودند هم مجبور شدند به حقیقت اعتراف کنند!



(توجه کنید که در سمت راست این اعتراف-نامه؛ تبلیغ "جگونگی سفیدتر شدن" نیز وجود دارد!)

ماریا هم سفیدپوست، هم بلوند و هم چشم-سبز است و **هم بینایی خوبی دارد**. آیا نباید وی را یک "نوردیک" نام نهاد؟ مگر چه فرقی بین این فرد زال و سفیدپوستان اروپای شمالی وجود دارد؟!

وقتی می شنویم "فلانی زال است"؛ فوراً تصور می کنیم که وی پوست و مویی کاملاً سفید و چشمانی قرمز دارد. این تصور درست است اما فقط در مورد زالی نوع یک (تا کنون چهار نوع زالی طبقه بندی شده است). در زالی نوع دو؛ رنگ پوست به سفیدی نوع یک نیست و کمی به صورتی می ماند (یعنی ملانین کمی در پوست وجود دارد)، مو در طیف رنگهای قرمز (از طلایی خیلی روشن تا قهوه ای و قرمز تیره) قرار دارد و رنگ چشمها معمولاً آبی (و گاهی سبز، خاکستری و ...) است. چون اغلب ما ایرانی ها سفیدپوستیم، یعنی مثل اکثر هندی ها و آفریقایی ها تیره-

پوست نیستیم؛ فقط زالهای نوع یک را بین خودمان تشخیص می دهیم و به همین علت به ما تلقین شده است که زالها فقط آن کسانی اند که پوست و موی خیلی سفید، و چشمانی قرمز دارند! به همین دلیل اگر فردی مانند ماریا بین ما متولد شود؛ نمی توانیم بفهمیم که زال است و برعکس به شدت به خود می بالیم که صاحب یک آلمانی-چهره شده ایم! تمام تلاشمان هم این است که چنین فرزندان سفید، بور و چشم رنگی داشته باشیم!

#### ۴-۴ روش ساخت زیرگونه ی نوردیک

اگر ماریا در آینده با یک زال شبیه به خودش زاد ولد کند؛ تمامی فرزندانها نیز همین شکلی (زال مو بلوند چشم آبی (سبز) خواهند بود! چنانچه فرزندان و نسلهای بعدی آنها درون-آمیزی داشته باشند؛ پس از چند قرن؛ گروه بزرگی از این افراد به وجود خواهد آمد.

پس زیرگونه ی نوردیک (مردمی شبیه به ژرمن ها و دانمارکی ها) را می توان ساخت! پس اگر چنانچه روزی بنا به دلایلی چون نیاز، علاقه، احیای سفیدپوستان منقرض شده و یا هر دلیل دیگری خواستید زیرگونه ای نوردیک پدید آورید؛ به روش زیر عمل کنید:

- ۱- قبل از هر کاری باید فرم جسمی زیرگونه ای که می خواهید بسازید را مشخص کرده باشید. آیا تمایل دارید قفقازی-وار (دارای بدن ظریف، موی صاف) باشد یا نگروید (بدن پهن، موی وز) یا ...؟ اگر می خواهید قفقازی وار باشد؛ به شبه قاره ی هند سفر کنید و در بین خانواده های سیاهپوست دراویدی دنبال خانواده هایی بگردید که بچه های زال دارند، و گرنه به کشورهای مرکزی آفریقا بروید و در آنجا خانواده های زال را پیدا کنید.

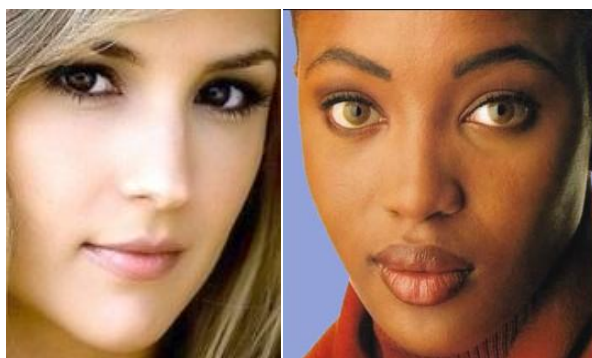
- ۲ - همانطور که می دانید؛ فقط در صورتی تمام فرزندان دو فرد زال نیز زال خواهند بود که آن دو فرد؛ زالی مشابهی داشته باشند، پس باید فقط دنبال خانواده هایی باشید که زالی نوع دو دارند.
- ۳ - از آنجایی که بین سیاهپوستان؛ زالی چیز خوبی نیست، به احتمال زیاد حاضر می شوند که بچه های خود را به شما بفروشند تا هم از شر نگاه تحقیرآمیز دیگران راحت شوند و هم جان آنها را نجات دهند (چون در آن مناطق زالها با خطر "شکار شدن از سوی دیگران" مواجه هستند!). پس حداقل ده نوزاد OCA۲ بخرید (نصف دختر و نصف پسر).
- ۴ - آنها را به مکانی مناسب که آب و هوایی مرطوب و غیرسوزان دارد؛ ببرید و تا زمان بلوغ از آنها نگهداری کنید.
- ۵ - وقتی که بزرگ شدند؛ سعی کنید که هر کدام از آن پسرها را با یکی از آن دخترها وصلت دهید (یعنی کاری کنید که با یکدیگر ازدواج کنند).
- ۶ - منبعد هر چه فرزند که بیاورند؛ آنها نیز شبیه خودشان (زال) خواهند بود. این کار را متوقف نکنید و تا زمانی که زنده اید؛ فرزندان آنها را نیز به یکدیگر وصل کنید!
- ۷ - بعد از چند سال؛ جمعیتی بزرگ از این زالهای OCA۲ به وجود خواهد آمد. به آنها وصیت کنید که تا چند قرن ازدواج درون-گروهی داشته باشند و با سیاهپوستان ازدواج نکنند! برای اینکه به حرفتان گوش کنند؛ سعی کنید سیاهپوستان را پست جلوه دهید، مثلاً به آنها القا کنید که اگر با سیاهپوستان ازدواج کنند؛ نابود می شوند!

۸- شما دیگر نیستید اما پروژه ی شما جواب داده، زالی ویژگی ژنتیکی آنها شده و از این به بعد می توانند با افراد غیر زال نیز وصلت کرده و ویژگی های زالی خود (پوست روشن، موی روشن، چشم روشن) را به نسل آینده و مولاتوی (ترکیبی) خود نیز انتقال دهند.

## ۴-۵ زیبای آفریقا

ریاکارانه ترین خلقی که ما سفیدپوستان محترم داریم؛ این است که صفات منفی خود را مثبت دانسته و صفات مثبت دیگران را به نام خود می زنیم. گاهی حتی خود را به شکل دیگری در می آوریم تا زیبا شویم اما در همان حال؛ همان دیگری را زشت خطاب می کنیم!

کم ندیده ایم کسانی را که می خواهند بینی های کشیده (و گاه عقابی) خود را به اصطلاح "نخودی"، لبهای نازک و ظریف خود را پروتز و چشمان کوچک خود را بزرگتر کنند. به نظر شما اگر از این افراد بپرسیم که کدام یک از دو فرد زیر زیباترند؛ چه جوابی خواهند داد؟



من از لحاظ آماری (یعنی تعیین جامعه، نمونه و نظرخواهی) به بررسی پاسخ این پرسش؛ نپرداختم، بلکه فقط از تعدادی از آشنایانم (که جنس، سن و سواد متفاوتی دارند) خواستم که بگویند کدام یک از دو فرد بالا را زیباتر می بینند و چرا فکر می کنند که او زیباست. از پنج نفری که نظرخواهی کردم؛ سه نفر (دو مرد و یک زن) گفتند که

خانم سمت چپ زیباتر است؛ "چون سفیدپوست است!" دو نفر دیگر (هر دو زن) گفتند که فرد سمت راست (سیاهپوست) زیباتر است، یکی دلیل خود را اینگونه گفت: "چون آن سفیدپوست سرد است (!) اما سیاهپوست نه؛" اما دیگری گفت: "چون فرد سیاهپوست لبهای پرتر؛ و چشمان درشت تری دارد." یعنی از بین پنج نفر؛ چهار نفر بر اساس رنگ پوست قضاوت کردند (آن فردی که ملاک را سرد بودن خواند نیز؛ در ابتدا ملاک را روشنی پوست قرار داده بود) و تنها یک نفر بود که درباره ی رنگ پوست قضاوتی نکرد و فقط عناصر چهره را مد نظر قرار داد.

مسئله این نظرخواهی کم دامنه نمی تواند ملاکی برای این باشد که نتیجه بگیریم "از نظر ایرانیان؛ هر چه فردی سفیدتر باشد؛ زیباتر است" (البته نه سفید در حد زالهای ۱ OCA)، صرف نظر از اینکه واقعا زیبا هست یا نه " چرا که ۱- معیار زیبایی از دید هر کسی ممکن است فرق کند، یعنی احتمال دارد که فردی لبهای پر و چشمان درشت را زیبا بداند ولی فرد دیگری؛ آنها را زیبا به شمار نیاورد. ۲- اینکه نمونه نظرخواهی در حدی نبوده که بتوان نتیجه ی آن را به کل جامعه تعمیم داد.

اما از آنجایی که من از هم وطنان خود؛ در این زمینه شناخت تقریبا کاملی دارم؛ باور دارم که مردم ایران زیبایی را بر اساس رنگ پوست می بینند، ممکن است فردی چندان زیبا نباشد (یعنی ملاکهای زیبایی از نظر ما را نداشته باشد) اما چون فقط سفید است؛ زیباتر از سیاهپوستی دیده شود که ملاکهای زیبایی بیشتری؛ (از دید ما) دارد!

کم اند ایرانیانی که اگر به اروپای شمالی سفر کنند؛ از مردم نوردیک آنجا تشخیص داده نشوند. این یعنی اکثر قریب به تمام ما ایرانی های امروزی به اندازه ی آن اروپایی ها سفیدپوست و چشم رنگی نیستیم، و همین یعنی به نسبت آنها؛ اجداد سیاهپوست یا تیره-پوست بیشتری داشته ایم. با این حال؛ سینمای ما پر است از کسانی که اروپایی-چهره اند و دلیل این اتفاق؛ همان ذائقه ی اروپایی پسند خودمان است! وقتی زیبایی را مساوی با روشنی رنگ پوست، مو و چشم می دانیم؛ نمی توانیم بپذیریم که "یوسف" یک جوان سیاهپوست؛ (سیاهپوست زیبا) به

تصویر کشیده شود! به همین خاطر ناخودآگاه تصور می کنیم که یوسف (و به تبع آن کل کنعانیان) سفیدپوست بوده اند. در واقع اینگونه استدلال می کنیم: "یوسف زیبا بوده است؛ پس نمی تواند سیاهپوست بوده باشد، و چون وی سفید بوده است؛ پس کل کنعانیان هم سفید بوده اند!"

در فصل پیش خواندیم که هم مصریان باستان و هم بنی اسرائیل سیاهپوست بودند، پس یوسف نیز باید سیاهپوست بوده باشد. اگر به فرض محال یوسف و کنعانیان سفیدپوست بودند؛ چرا وقتی برادران یوسف بعد از قحطی به مصر می روند؛ او را نمی شناسند؟ یک سفیدپوست باید در بین سیاهپوستان به آسانی قابل تشخیص باشد، آیا نمی توانستند برادر سفیدپوست خود را در میان ملتی سیاهپوست تشخیص دهند؟ به خوبی مشخص است که کنعانیان و مصریان باستان؛ مردم مشابهی بودند.

دلیل اینکه سیاهپوستان در سینمای ما و بسیاری از جاهای دیگر (حتی خود کشورهایی که ساکنانش سیاهپوستند) فقط برده، زیر دست و مهجور به تصویر کشیده می شوند (حتی در آن سناریوهایی که مربوط به سرزمین های خودشان؛ مثلاً مصر است!) این است که به ما تلقین شده است که سیاهپوستان را زیر دست و حتی فرو-انسان بدانیم! به ما آموزش داده اند که همه ی تمدن های کهن (حتی مصری که در آفریقا است)؛ از آن مردم سفیدپوست بوده اند و سیاهپوستان در همه جا به بردگی مشغول بوده اند. آنقدر بر سیاهپوست بودن "بلال" تاکید کرده اند که ما باورمان شده که خود اعراب سفید بودند و فقط بردگانشان سیاهپوست بودند!

## فصل پنجم

### اثبات با استنباط



## ۱-۵ مقدمه

در این فصل به موشکافی دو آیه از قرآن می پردازیم که به ظاهر؛ مفهوم عمیق و قابل تفکری ندارند.

## ۲-۵ کتب مقدس

صرف نظر از اینکه آیا کتب مقدس نوشته های بشر اند یا وحی خدا؛ آن کتب می توانند ما مردم امروزی را با جهانبینی مردم زمان نوشته شدن خود آشنا کنند. از آنجایی که این کتب برای پیروان خود بسیار مهم اند؛ امکان تحریف شدنشان بسیار کم است، پس در بیان حوادث تاریخی زمان خود و نقل جهانبینی مردم روزگار خود؛ صداقت بیشتری دارند.

## ۱-۲-۵ معجزه ی موسی

وَاضْمُمْ يَدَكَ إِلَى جَنَاحِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ آيَةً أُخْرَى (طه؛ ۲۲): و دست خود را به پهلویت ببر؛ سپید بی گزند برمی آید [این] معجزه ای دیگر است. (ترجمه ی فولادوند) [۹۴]

در دروس قرآن پیش از دوران دانشگاه؛ به جای اینکه "بیضاء" را "سفید" معنا کرده باشند؛ آن را با توصیفات "چون "نورانی"، "درخشان همچون خورشید"، "سپید همچون برف" و ... بیان کرده بودند، حتی در دوران دبستان و راهنمایی در تشریح آیه ی فوق؛ عکسی از موسی با چهره ای نورانی کشیده بودند که یکی از دستانش آنقدر نورانی بود که انگار در دل خورشیدی کوچک قرار گرفته بود! هم اکنون هم بسیاری از ترجمه ها بیضا را سفید معنا نکرده اند و این در صورتی است که بیضا؛ مونث صفت "ابیض" بوده و به معنای "سفید" است. [۹۵]

وقتی که ما سفیدپوستان؛ به شدت باور داریم که همه ی انسانهای مهم تاریخ سفیدپوست بوده اند و دیگران بردگی آنها را می کرده اند، و حتی نمی توانیم خلافتش را هم تصور کنیم؛ در مواجهه با چیزهایی که برایمان به راحتی قابل

فهم نیستند؛ بر اساس میزان خلاقیتی که داریم، شروع به خیالپردازی می کنیم! مثلاً مترجمین به اصطلاح عرب و ایرانی امروزی چون سفیدپوستند؛ تمایل دارند که موسی نیز سفیدپوست بوده باشد. پس چون از نظر آنها سفیدی دست یک سفیدپوست نمی تواند معجزه ای از جانب خدا باشد؛ بیضا را به معانی استعاری چون نورانی چون خورشید، تابنده و ... ترجمه می کنند! اما نمی گویند که دلیل آوردن "بی گزند" چه بوده است؟!

برای اینکه معنای این معجزه را متوجه شویم؛ باید با اختلالی به نام ویتیلیگو یا پیسی آشنا باشیم. ویتیلیگو سبب می شود که سلولهای تولید کننده ی ملانین (ملانوسیت)؛ تخریب شده و در نتیجه ی نبود پیگمنت (رنگدانه)؛ بعضی از قسمتهای پوست سفید شود. معمولاً موهایی که از قسمت سفید شده می رویند نیز سفید خواهند بود [۹۶]. بنابراین، وقتی که آیه از "سفیدی بی گزند" سخن می گوید؛ اطمینان می دهد که آن سفیدی "اختلال پیسی" نیست! از همین رو می توان فهمید که سفیدی دست موسی؛ در حد سفیدی پیسی بوده است (وگرنه نیازی نبوده که اعلام کند که آن سفیدی "بی گزند" است).

حال این سوال پیش می آید که آیا سفیدی دست؛ می تواند معجزه به شمار برود؟

وقتی که موسی سیاهپوست باشد و فرعون بداند که سفیدی پوست نمی تواند چیز خوبی باشد؛ بله! در این هنگام می توان به طور موقتی دست خود را سفید کرد و سپس با برگردان آن به رنگ اصلی خود (سیاه)؛ ثابت کرد که بیماری نبوده است، در همین صورت است که این عمل می تواند یک معجزه تلقی شود. ولی اگر موسی سفیدپوست می بود؛ سفیدی پوست وی نمی توانست معجزه ای تلقی شود (سفید کردن پوست سفید معنایی دارد؟!)، بلکه به دنبال آوردن معجزاتی مثل "نورانی کردن دست خود" بود.



## ۵-۲ ذوالقرنین در شرق

بخش سوم سوره ی کهف؛ با جمله ی "از تو (پیامبر) درباره ی ذوالقرنین می پرسند" شروع می شود، پس موضوع آن در مورد فردی به نام ذوالقرنین است. در ادامه از سه برخورد وی با سه قوم مختلف صحبت می کند و چنانچه مشخص است؛ آن سه قوم هر یک ویژگی خاصی داشته اند که لازم بوده بیان شود. از برخوردش با اولین قوم می توان فهمید که او یک فرد صاحب قدرت و صاحب لشکر است، چون به آن قوم می گوید "هر کسی از شما که ظلم کرده باشد را مجازات کرده و هر کسی را که ایمان آورد؛ بر او آسان **خواهیم** گرفت". در اینجا با اینکه این قوم اول چه کسانی بوده اند؛ کاری نداریم و صحبت در مورد دومین قوم است که اینگونه بیان شده اند:

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَّمْ نَجْعَلْ لَّهُمْ مِّنْ دُونِهَا سِتْرًا (کهف؛ ۹۰): تا آنگاه که به جایگاه برآمدن خورشید رسید، [خورشید] را [چنین] یافت که بر قومی طلوع می کرد که برای ایشان در برابر آن پوششی

قرار نداده بودیم. (ترجمه ی فولادوند) [۹۷]

آیه ی فوق به نکات زیر اشاره می کند:

۱ - ذوالقرنین به جایی در شرق زمین رسید. "جایگاه بر آمدن خورشید" ترجمه ی صحیحی نیست، چرا که مطلع بر وزن مفعول و به معنای "مکان یا زمان طلوع کردن" است، بنابراین "مطلع" در آیه ی فوق می تواند به معنای "شرقی ترین نقطه ی زمین" یا "شرقی ترین جایی که ذوالقرنین به آنجا رفت"؛ باشد.

۲ - آن قوم پوششی در مقابل آفتاب نداشتند.

۳ - این خدا بود که پوششی برای آنها قرار نداده بود.

برخی "نداشتن پوشش در مقابل آفتاب" را به "نداشتن لباس؛ و یا خانه و سرپناه" تفسیر کرده اند اما به دو نکته توجه نکرده اند:

- ۱ - اگر منظور از آیه لباس می بود؛ دلیلی نداشت که بر "در مقابل آفتاب" تاکید کند، چرا که لباس را می توان به هنگام شب نیز پوشید. اگر منظور خانه می بود هم دلیلی بر چنان تأکیدی نبود، چرا که "در امان ماندن از نور خورشید" دلیل اصلی زندگی در خانه نیست! هم اینکه بسیاری از سیاهپوستان آفریقایی با کمترین لباس؛ زیر نور شدید آفتاب قرار می گیرند و از آن لطمه ای نمی بینند (چون ملانین زیادی دارند).
- ۲ - وقتی می گوید "ما پوششی بر آنها قرار نداده بودیم" نیز بر این تأکید دارد که "پوشش نداشتن آنها در مقابل آفتاب" یک انتخاب نبوده است، بلکه آنها چنان خلق شده بودند که در مقابل آفتاب پوششی نداشته باشند. داشتن یا نداشتن لباس و خانه؛ یک انتخاب است، نمی توان گفت خدا به آنها اجازه ی داشتن لباس یا خانه را نداده بوده است!

ملانین محافظ بدن در مقابل آفتاب است و اگر کسی آن را نداشته باشد یا به مقدار خیلی کمی داشته باشد؛ زال است. زالی هم اختلالی نیست که بعد از تولد به وجود آید، بلکه فرد؛ زال به دنیا می آید. بنابراین؛ وقتی می گوید

آن قوم "پوششی در مقابل آفتاب" نداشتند و می گوید "ما بودیم که بر آنها چنان پوششی قرار ندادیم؛ بدون هیچ شکی به "زال بودن" و سفیدپوست بودن آنها اشاره می کند. باید توجه داشت که آیه از یک نفر سخن نمی گوید، بلکه از قومی سخن می گوید که زال بوده و در جایی در شرق زمین زندگی می کردند. اکنون، برای اینکه بدانیم آن قوم چه کسانی بودند؛ باید ذوالقرنین را بشناسیم.

اکثر محققان؛ ذوالقرنین را اسکندر کبیر، و عده ی کمی نیز او را کوروش، هراکلیوس و ... دانسته اند. رای اکثریت درست است، چرا که اسناد زیادی چون دست نوشته های "رومانس اسکندر"؛ این نظر را ثابت می کند. مثلاً در آن گفته شده که "اسکندر سدی می سازد تا یاجوج و ماجوج را که در زمین به شدت فساد می کنند؛ در پشت آن محصور کند" [۹۸- ۱۰۰] که این؛ دقیقاً موضوع داستان "ذوالقرنین و سومین قوم" در قرآن است.



عکس بالا تصویری موزائیکی است در پمپئی ایتالیا که ادعا می شود اسکندر کبیر را در حال جنگ با داریوش سوم نشان می دهد [۱۰۱]

اسکندر به اصطلاح مقدونی؛ در نیمه ی چپ عکس است که تصویر بزرگ شده ی او را در زیر می بینید.



سه دلیل وجود دارد که عکس فوق را مربوط به اسکندر؛ و به تبع آن، عکس اصلی را نیز مربوط به "جنگ اسکندر و داریوش سوم" ندانیم:

۱- لباس اسکندر ادعا شده؛ شباهتی به لباس مقدونیان و یونانیان دوران اسکندر نمی دهد و بلکه لباس

لژیونرهای رومی است. [۱۰۲، ۱۰۳]



۲- فقط دو تن از امپراتوران اروپایی بودند که از "سینه-نشان" استفاده می کردند، تراژان و جانشینش هادریان؛

که هر دو رومی بودند. [۱۰۴- ۱۰۷]



Roman Emperor Trajan, reigned 98 to 117 A.D.

تراژان در لباس نظامی؛ به همراه سینه-نشان

۳- اعضای لشکری که ادعا شده از داریوش سوم است؛ شباهتی به پارسیان نمی دهند. با توجه به توضیحات بخش ۳-۳-۲-۳؛ سربازان پارسی هم لباس های متفاوتی می پوشیدند و هم اینکه سیاهپوست بودند (نه سبزه یا مولاتو). [۱۰۸, ۱۰۹]

در واقع موزائیک معروف به "نبرد ایسوس"؛ "جنگ تراژان با پارتیان" است، جنگی که در نتیجه ی آن؛ تراژان پارتیان را شکست داد، سپس تیسفون را غارت؛ و بین النهرین و ارمنستان را به امپراتوری خود الحاق کرد [۱۱۰]. اهمیت همین دست آوردها بود که سبب شد نگاره ی آن جنگ را به ثبت برسانند. اکنون که مشخص شد تصویر موزائیک پمپئی ربطی به اسکندر مقدونی ندارد؛ بهتر است که دیگر سراغ نقاشی ها، تصاویر و مجسمه هایی که اروپائیان می گویند اسکندر کبیر است؛ نرویم، چرا که از آنان بعید است واقعیت را بگویند.

آنچه از آیه ی ۹۰ سوره ی کهف می فهمیم این است که اسکندر سیاهپوست بوده و قبل از سفر به شرق؛ با سفیدپوستان رو به رو نشده است. چرا که همانطور که گفتیم؛ داستان ذوالقرنین در قرآن؛ از رو به رو شدن او با سه



"قوم خاص" سخن می گوید، پس اگر سفیدی پوست **تمام اعضای یک قوم** چیز شناخته شده و معمولی برای

راویان و خود اسکندر می بود؛ هیچ دلیلی نداشت که از برخورد وی با چنان قومی صحبت شود.

همانطور که در راز سفید خواندیم:

۱ - منابع قدیمی چینی مثل اسناد شیچی (که در قرون اول تا دوم قبل از میلاد نوشته شده است)؛ از مردم

سفیدپوست، چشم آبی و مو قرمزی به نام "یوژی (یا یوچی)" خبر می دادند که در مناطق شمال غربی چین

زندگی می کردند. [۱۱۳- ۱۱۱]

۲ - در سال ۱۹۳۴؛ فلک برگمن حدود دویست مومیایی سفیدپوست را در تاریم باسین (شمال غربی چین) پیدا

کرد. در سالهای بعد؛ از هفت مرد مومیایی تست ژنتیک گرفته شد که نشان داد هاپلوگروپ جد پدری هر

هفت مرد؛ R1a۱ است. [۱۱۴]

۳ - تاسیتوس رومی (۱۱۸- ۵۶ بعد از میلاد)؛ خصوصیات ظاهری قبایل آلمانی وارد شده به اروپا را اینگونه

توصیف کرد: "همه ی آنها چشمان آبی خشناک و موی قرمز دارند". [۱۱۶, ۱۱۵]





عکس بالا امپراتوری اسکندر کبیر را نشان می دهد که از یونان امروزی تا صحرای تاکلاماکان بوده است. همانگونه که مشخص است، شرقی ترین نقطه ای که در فتوحات اسکندر بود؛ مناطق شمال غربی چین و آسیای مرکزی است [۱۱۷]. از آنجایی که اسکندر در حوالی سالهای ۳۲۳-۳۵۶ قبل از میلاد زندگی می کرده است و از آنجایی که اولین موج مردم "کاملا سفیدپوست" وارد شده به اروپا؛ در حوالی سالهای ۱۱۸-۵۶ بعد از میلاد بوده است؛ می توان نتیجه گرفت که:

- ۱- آن قوم زالی که ذوالقرنین آنها را دید؛ همان یوچی ها (و سایر قبایل خویشاوند آنها) بودند.
- ۲- حتی تا زمان ذوالقرنین نیز (قرن چهارم قبل از میلاد)؛ مردم کاملا سفیدپوست (نه هلنی های سبزه) به اروپا وارد نشده بودند، و گرنه از دید ذوالقرنین و راویان سرگذشت او؛ چنان اقوام زال و سفیدپوستی عجیب به نظر نمی رسیدند.

## فصل ششم

### جمع بندی

## ۱-۶ مقدمه

در این فصل کوتاه؛ به جمع بندی مطالبی می پردازیم که در راز سفید و این کتاب خواندیم.

## ۲-۶ جمع بندی

قرن هاست که سفیدپوستان خود را انسانهای درجه یک و سایرین را موجودات درجه ی دوم نشان داده اند، با این حال؛ مدتی است ژست انسان دوستانه گرفته و نژادپرستی را که خود بانی آن بودند؛ محکوم می کنند (!) اما هنوز هم آثار فساد آنان از بین نرفته است. مثلاً حتی در کشوری چون هند که اکثر مردم آن از دید ما سیاهپوست و سبزه اند؛ بالاترین میزان نژادپرستی در جهان وجود دارد. گرچه ۲۵ درصد هندی ها دراویدی، ۷۲ درصد هندو (مولاتو، سبزه و ...) و از هندوها؛ فقط درصد کمی سفید اند [۱۱۸] اما اکثر سیاستمداران و سایر افرادی که دیده می شوند (مثل بازیگران)؛ از همان اقلیت معروف به آریایی اند و شوهای تلویزیونی دائماً بر سفیدی پوست و روشن کردن پوست تاکید می کنند! این وضع تا آن حد مردم سیاهپوست هند را تحت فشار قرار داده که بسیاری از آنها در مناطق شمالی آن کشور؛ درس خواندن را فدای حفظ شخصیت خود کرده و ترجیح می دهند در ملا عام دیده نشوند [۱۱۹]! نه هند که در همه جای دنیا نژادپرستی وجود دارد، خود ما ایرانیان؛ تا چندی قبل اگر سیاهپوستی را می دیدیم با دست؛ نشان داده و مسخره می کردیم، جدیداً کمی متمدن شده و فقط در اینترنت آنها را مسخره می کنیم (سرچ کنید "تصاویری از ساکنین محلی آفریقا" و سپس نظرات داده شده در پیجهای مرتبط را بخوانید!).

همه ی این نژادپرستی ها و برتر دیدن خودمان در حالی است که این ما هستیم که ناقص محسوب می شویم! بدن هم برای زندگی در زیر آفتاب و هم برای زندگی در مناطق قطبی و برفی به ملانین نیاز دارد تا سپر او در مقابل اشعه های مضر باشد [۱۲۰، ۱۲۱]؛ منطقی نیست که در یکی از این دو مناطق؛ سپر خود را از دست داده و دیگر آن را

چندان تولید نکند! در حقیقت روشن بودن پوست، مو و چشمان سفیدپوستان را جز با اختلال آلپینسم نمی توان توضیح داد. خود دانشمندان سفیدپوست هم بارها به طور غیرمستقیم این حقیقت را بیان کرده اند، مثلاً وقتی که می گویند "تمام مردم چشم آبی جهان جد مشترکی دارند که آبی بودن چشم او با نقص ژن OCA۲ در ارتباط بوده است" [۱۲۲]؛ منظوری ندارند جز اینکه او یک زال بوده است!

در واقع سفیدپوستان؛ در ابتدا گروه کوچکی از زالهای درون-آمیخته ی دراویدی بودند که برای فرار از آفتاب سوزان هند به آسیای مرکزی مهاجرت کردند، سالها در آنجا زیستند و بسیار پرجمعیت شدند. تا اینکه به عللی چون ترس از هونها سیاه [۱۲۴، ۱۲۳]؛ وارد مرزهای اروپا و ایران شده و بعدها با جمعیت فراوان؛ خود را بر مردم بومی سرزمین های غربی (اروپا، آسیای غربی و آفریقای شمالی) تحمیل کردند. آنها آنقدر خالی از پیشینه ای تمدن ساز بودند که پس از سکونت در آن سرزمین ها؛ تمدن های آن مناطق را به نام خود می زدند! مطمئناً اگر تمدن قابل توجهی در آسیای میانه می داشتند؛ پس از زندگی در سرزمین هایی چون مصر، یونان و ایران امروزی؛ تلاش نمی کردند که خود را از نسل مصریان، یونانیان و پارسیان باستان نشان داده و مردم بومی آن مناطق را بیگانه قلمداد کنند! بلکه تمدن خود را در آن مناطق بر پا کرده و به حقوق مردم متمدنی که پذیرای آنان بودند؛ احترام می گذاشتند. پس بی دلیل نیست که فقط در صد سال گذشته، دو جنگ وحشتناک جهانی از اروپا آغاز شد و ده ها جنگ کوچک و بزرگ در خاورمیانه شکل گرفت و هم اکنون هم؛ خاورمیانه یکی از بدترین مکانهای زمین برای زندگی است.

در طول همین هزاره های اخیر بود که همه ی تاریخ مهم بشر و همه ی افراد مهم تاریخ را به نام خود زدند. شکی نیست که بسیاری از تاریخدانان و باستان شناسان اروپایی می دانسته اند که موزائیک پمپئی ربطی به اسکندر کبیر ندارد اما از آنجایی که ۱- تمام شخصیت های مهم تاریخ باید سفیدپوست یا حداقل سبزه معرفی شوند، ۲- اسکندر

کبیر بسیار مهمتر از تراژان بوده است، و ۳- تراژان در آن موزائیک تا حدودی شباهت به سفیدپوستان می دهد؛ بنا را بر جعل و تحریف حقیقت آن موزائیک گذاشتند.

جدا از معرفی کردن اسکندر به جای تراژان؛ در عکس اصلی موزائیک می بینیم که رنگ پوست تراژان (و حتی فردی که روی سینه-نشان او حک شده)؛ چندان تفاوتی با موهای قهوه ای اسب او ندارد، نه تنها او که تمام اعضای دو طرف درگیر؛ تیره-پوست، سیاه موی و تیره-چشم اند. از همین رو؛ به بهانه ی بازسازی موزائیک؛ تا کنون چندین اثر چون شکل زیر را ساخته اند.



دقت می فرمائید؟ گرچه در تصویر اصلی تفاوت چندانانی میان رنگ پوست تراژان و رنگ موی اسبش نیست اما در این به اصطلاح بازسازی؛ رنگ پوست وی کاملاً سفید شده و این در حالی است که رنگ موی اسب او فقط کمی روشن تر شده است! به نظر من که هدفی جز سفیدپوست کردن و آنگلو-ساکسون نشان دادن رومیان و پارتیان نداشته اند! البته هیچ بعید نیست که اگر خود موزائیک هم از دسترس مردم و رسانه ها دور می بود؛ دو طرف جنگ را کاملاً سفید پوست، بور و چشم رنگی می کردند. آیا همین موضوع کفایت نمی کند که باور داشته باشیم هدف

از کند و کاو و در نهایت؛ بردن آثار باستانی سرزمین هایی چون بین النهرین، مصر و پارس به بهانه ی کاوش و

بررسی؛ چیزی جز تحریف و جعل حقیقت نیست؟

## چند ویدئوی مرتبط

[۱]: <https://www.youtube.com/watch?v=iTfvsOkdjZY>

[۲]: <https://www.youtube.com/watch?v=۲۸LT۱VeFxIE>

[۳]: <https://www.youtube.com/watch?v=g۶۹aW-JX۶H۸>

[۴]: <https://www.youtube.com/watch?v=mSlvPcC۶OiY>

[۵]: <https://www.youtube.com/watch?v=ujyhY۱znlG>

[۶]: <https://www.youtube.com/watch?v=OjBIZl۸RON۸>

[۷]: <https://www.youtube.com/watch?v=CzImYk-vKTs>

[۸]: <https://www.youtube.com/watch?v=BsEn-۲K۸۶ns>

[۹]: <https://www.youtube.com/watch?v=PgjmSHXEVvA>

[۱۰]: [https://www.youtube.com/watch?v=۰HmN\\_p۲۶-ZM](https://www.youtube.com/watch?v=۰HmN_p۲۶-ZM)

[۱۱]: <https://www.youtube.com/watch?v=uvcz-PVZ۱XY>

[۱]: [http://albinism.org/publications/what\\_is\\_albinism.html](http://albinism.org/publications/what_is_albinism.html)

[۲]: <http://en.wikipedia.org/wiki/Albinism>

[۳]: <http://albinism.org/publications/index.html>

[۴]: <http://www.visionfortomorrow.org/albinism-faqs/>

[۵]:

[http://in.rbth.com/articles/۲۰۱۲/۰۶/۰۶/europeans\\_and\\_indians\\_divided\\_or\\_united\\_by\\_dna\\_۱۵۹۲۳.html](http://in.rbth.com/articles/۲۰۱۲/۰۶/۰۶/europeans_and_indians_divided_or_united_by_dna_۱۵۹۲۳.html)

[۶]: [http://www.uni-mainz.de/presse/۱۷۱۴۸\\_ENG\\_HTML.php](http://www.uni-mainz.de/presse/۱۷۱۴۸_ENG_HTML.php)

[۷]: [http://cogweb.ucla.edu/ep/Frost\\_۰۶.html](http://cogweb.ucla.edu/ep/Frost_۰۶.html)

[۸]:

[http://thelivingmoon.com/۴۳ancients/۰۲files/The\\_Mummies\\_of\\_Tarim\\_Basin.html](http://thelivingmoon.com/۴۳ancients/۰۲files/The_Mummies_of_Tarim_Basin.html)

[۹]: [http://en.wikipedia.org/wiki/Tarim\\_mummies](http://en.wikipedia.org/wiki/Tarim_mummies)

[۱۰]: <http://www.iranicaonline.org/articles/hephthalites>

[۱۱]: <http://www.britannica.com/EBchecked/topic/۲۶۲۳۲۵/Hephthalite>

[۱۲]: <http://www.silk-road.com/artl/heph.shtml>

[۱۳]: <http://www.chinaknowledge.de/History/Altera/yuezhi.html>

[۱۴]: <http://www.britannica.com/EBchecked/topic/۶۵۴۶۱۸/Yuezhi>



[15]: <http://en.wikipedia.org/wiki/Yuezhi>

[16]: <http://www.khazaria.com>

[17]: <http://www.britannica.com/EBchecked/topic/316003/Khazar>

[18]:

[http://econc100.bu.edu/economic\\_systems/NatIdentity/FSU/Caucasus/khazaria.  
htm](http://econc100.bu.edu/economic_systems/NatIdentity/FSU/Caucasus/khazaria.htm)

[19]: <http://en.wikipedia.org/wiki/Khazars>

[20]: <http://www.britannica.com/EBchecked/topic/192018/Eskimo>

[21]: <http://www.heritage.nf.ca/aboriginal/palaeo.html>

[22]: <http://www.arctic.noaa.gov/faq.html>

[23]: <http://www.parl.gc.ca/content/lop/researchpublications/prb0810-e.htm>

[24]: <http://en.wikipedia.org/wiki/Eskimo>

[25]: <http://www.arcticwebsite.com/eskimoimage.html>

[26]: <http://www.arcticwebsite.com/eskimoimage2.html>

[27]: <http://www.arcticwebsite.com/eskimoimage3.html>

[28]: [http://www.theguardian.com/society/2014/apr/21/skin-cancer-alert-  
malignant-melanoma](http://www.theguardian.com/society/2014/apr/21/skin-cancer-alert-malignant-melanoma)

[29]: [http://www.cancerresearchuk.org/cancer-  
info/cancerstats/types/skin/incidence/uk-skin-cancer-incidence-statistics](http://www.cancerresearchuk.org/cancer-info/cancerstats/types/skin/incidence/uk-skin-cancer-incidence-statistics)

[30]: <http://annonc.oxfordjournals.org/content/10/1/0.full>

[31]: <http://www.sciencedaily.com/releases/2013/09/130917181230.htm>

[32]: [http://familypedia.wikia.com/wiki/Haplogroup\\_R\\_Y-DNA](http://familypedia.wikia.com/wiki/Haplogroup_R_Y-DNA)

[33]: <http://www.genebase.com/learning/article/11>

[34]: [http://en.wikipedia.org/wiki/Haplogroup\\_R-M207](http://en.wikipedia.org/wiki/Haplogroup_R-M207)

[35]: [http://en.wikipedia.org/wiki/Haplogroup\\_R-M173](http://en.wikipedia.org/wiki/Haplogroup_R-M173)

[36]: <https://www.familytreedna.com/public/r1b1c7/default.aspx>

[37]: [http://www.eupedia.com/europe/Haplogroup\\_R1a\\_Y-DNA.shtml](http://www.eupedia.com/europe/Haplogroup_R1a_Y-DNA.shtml)

[38]: [http://creative.sulekha.com/origin-of-ezhavas-and-their-dravidian-link\\_369334\\_blog](http://creative.sulekha.com/origin-of-ezhavas-and-their-dravidian-link_369334_blog)

[39]: <http://glassesrafter.com/information/percentage-population-wears-glasses.html>

[40]: <http://www.polarbearsinternational.org/about-polar-bears/essentials/fur-and-skin>

[41]: <http://www.reuters.com/article/2009/12/21/us-antarctica-sunburn-idUSTRE0BK10120091221>

[42]: [http://www.fisheries.no/aquaculture/facts\\_statistics/](http://www.fisheries.no/aquaculture/facts_statistics/)

[43]: <http://www.fao.org/docrep/005/w0318e/W0318E19.htm>

[44]:

<http://www.rootsweb.ancestry.com/~wellsfam/dnaproje/haplogroupR.html>

[୧୦]: <https://www.familytreedna.com/understanding-dna.aspx>

[୧୧]: <http://www.mapsofworld.com/world-top-ten/world-top-ten-powerful-countries-map.html>

[୧୨]: <http://www.businessinsider.com/୨୦-most-powerful-militaries-in-the-world-୨୦୧୧-୨>

[୧୩]: <http://www.theworldsstrongestman.com/athletes/mark-felix/>

[୧୪]: <http://sporteology.com/top-୧୦-greatest-boxers-time/>

[୧୫]: [http://en.wikipedia.org/wiki/Anderson\\_Silva](http://en.wikipedia.org/wiki/Anderson_Silva)

[୧୬]: [http://en.wikipedia.org/wiki/Dwayne\\_Johnson](http://en.wikipedia.org/wiki/Dwayne_Johnson)

[୧୭]: <http://www.famousscientists.org/୧୦-famous-black-scientists-in-history/>

[୧୮]: <http://www.worldsrichestcountries.com/>

[୧୯]: <http://www.statisticbrain.com/wealthiest-countries/>

[୨୦]: <http://www.infoplease.com/spot/aboriginal୧.html>

[୨୧]: [http://en.wikipedia.org/wiki/Aboriginal\\_Australians](http://en.wikipedia.org/wiki/Aboriginal_Australians)

[୨୨]: [http://en.wikipedia.org/wiki/Indigenous\\_peoples\\_of\\_the\\_Americas](http://en.wikipedia.org/wiki/Indigenous_peoples_of_the_Americas)

[୨୩]: <http://originalpeople.org/first-americans-were-black-aborigines-୨/>

[୨୪]: <http://www.raceandhistory.com/Science/AboriginesOrigin୨.htm>

[୨୫]: <http://www.bibliotecapleyades.net/arqueologia/olmecs୦୧.htm>

[୨୬]: <http://www.historycarper.com/୧୮୦୧/୦୧/୦୧/observations-concerning-the-increase-of-mankind-peopling-of-countries-c/>

[᠖᠒]: [http://www.stewartsynopsis.com/africans\\_wrote\\_the\\_bible.htm](http://www.stewartsynopsis.com/africans_wrote_the_bible.htm)

[᠖᠓]: <http://www.smithsonianmag.com/science/sahara-millions-years-older-thought-180902730/?no-ist>

[᠖᠔]: <http://www.heritagedaily.com/2014/09/age-sahara-desert/10042>

[᠖᠕]:

[http://www.wittenberg.edu/student\\_organizations/greek/alpha\\_phi\\_alpha/AfricanRoots.html](http://www.wittenberg.edu/student_organizations/greek/alpha_phi_alpha/AfricanRoots.html)

[᠖᠖]: [http://en.wikipedia.org/wiki/Km\\_\(hieroglyph\)](http://en.wikipedia.org/wiki/Km_(hieroglyph))

[᠖᠗]: [http://en.wikipedia.org/wiki/DNA\\_history\\_of\\_Egypt](http://en.wikipedia.org/wiki/DNA_history_of_Egypt)

[᠖᠘]: <http://www.monitor.co.ug/artsculture/Reviews/Ancient-Egyptian-Pharaohs-related-to-Ugandans---DNA/-/691232/2419938/-/cjdvdv/-/index.html>

[᠖᠙]:

[http://www.britishmuseum.org/explore/young\\_explorers/childrens\\_online\\_tours/a\\_queens\\_tour/queen\\_ahmose-nefertari.aspx](http://www.britishmuseum.org/explore/young_explorers/childrens_online_tours/a_queens_tour/queen_ahmose-nefertari.aspx)

[᠗᠐]:

[http://realhistoryww.com/world\\_history/ancient/Misc/True\\_Negros/The\\_True\\_Negro\\_2.htm](http://realhistoryww.com/world_history/ancient/Misc/True_Negros/The_True_Negro_2.htm)

[᠗᠑]: <http://www.danielpipes.org/comments/161483>

[᠗᠒]:

[http://en.wikipedia.org/wiki/Faisal\\_bin\\_Turki,\\_Sultan\\_of\\_Muscat\\_and\\_Oman](http://en.wikipedia.org/wiki/Faisal_bin_Turki,_Sultan_of_Muscat_and_Oman)

[ሃ፮]:

[http://en.wikipedia.org/wiki/Turki\\_bin\\_Said,\\_Sultan\\_of\\_Muscat\\_and\\_Oman](http://en.wikipedia.org/wiki/Turki_bin_Said,_Sultan_of_Muscat_and_Oman)

[ሃ፭]: [http://en.wikipedia.org/wiki/Abdullah\\_of\\_Saudi\\_Arabia](http://en.wikipedia.org/wiki/Abdullah_of_Saudi_Arabia)

[ሃ፬]: <http://www.livius.org/pen->

[pg/persepolis/persepolis\\_apadana\\_e\\_stairsሂ.html](pg/persepolis/persepolis_apadana_e_stairsሂ.html)

[ሃ፮]: <http://www.livius.org/pen->

[pg/persepolis/persepolis\\_apadana\\_e\\_stairs፩.html](pg/persepolis/persepolis_apadana_e_stairs፩.html)

[ሃ፯]: <http://www.livius.org/pen->

[pg/persepolis/persepolis\\_apadana\\_e\\_stairso.html](pg/persepolis/persepolis_apadana_e_stairso.html)

[ሃ፳]: <http://www.livius.org/pen->

[pg/persepolis/persepolis\\_apadana\\_e\\_stairs፯.html](pg/persepolis/persepolis_apadana_e_stairs፯.html)

[ሃ፻]: <http://www.livius.org/pen->

[pg/persepolis/persepolis\\_apadana\\_e\\_stairsሃ.html](pg/persepolis/persepolis_apadana_e_stairsሃ.html)

[፳፡]: <http://www.livius.org/pen->

[pg/persepolis/persepolis\\_apadana\\_e\\_stairs፳.html](pg/persepolis/persepolis_apadana_e_stairs፳.html)

[፳፩]:

[http://realhistoryww.com/world\\_history/ancient/Misc/Elam/Persepolis.htm](http://realhistoryww.com/world_history/ancient/Misc/Elam/Persepolis.htm)

[፳፪]: [http://realhistoryww.com/world\\_history/ancient/Canaan\\_ሂa.htm](http://realhistoryww.com/world_history/ancient/Canaan_ሂa.htm)

[፳፫]: [http://anthro.palomar.edu/homo/homo\\_ሂ.htm](http://anthro.palomar.edu/homo/homo_ሂ.htm)

[፳፬]: [http://en.wikipedia.org/wiki/Timeline\\_of\\_human\\_evolution](http://en.wikipedia.org/wiki/Timeline_of_human_evolution)

[٨٥]: <http://www.bibliotecapleyades.net/gigantes/Africa.html>

[٨٦]: <http://news.softpedia.com/news/The-Tallest-People-in-the-World-٦١١٣٠.shtml>

[٨٧]: [http://en.wikipedia.org/wiki/Pygmy\\_peoples](http://en.wikipedia.org/wiki/Pygmy_peoples)

[٨٨]: <http://news.discovery.com/human/genetics/pygmies-genetics-short-١٢٠٤٢٧.htm>

[٨٩]: <http://www.bradshawfoundation.com/bushman/>

[٩٠]: <http://www.nieu-bethesda.com/en/history/san-a-khoi.html>

[٩١]: <http://www.independent.co.uk/news/science/worlds-most-ancient-race-traced-in-dna-study-١٦٧٧١١٣.html>

[٩٢]:

<http://www.globalpost.com/dispatch/news/regions/europe/١٣١٠٢٥/roma-child-maria-greek-angel-returned-parents>

[٩٣]: <http://www.dailymail.co.uk/news/article-٢٤٧٦٧٧٢/DNA-test-confirms-Bulgarian-woman-IS-natural-mother-blonde-haired-Maria.html>

[٩٤]:

<http://www.parsquran.com/data/show.php?sura=٢٠&ayat=٢٢&user=far&lang=far&tran=١>

[٩٥]: <http://www.vajehyab.com/dehkhoda/بيضاء>

[٩٦]: [http://www.niams.nih.gov/Health\\_Info/Vitiligo/](http://www.niams.nih.gov/Health_Info/Vitiligo/)

[٩٧]:

<http://www.parsquran.com/data/show.php?sura=١٨&ayat=٩٠&user=far&lang=far&tran=١>

[٩٨]:

<http://www.historyofmacedonia.org/AncientMacedonia/AlexandertheGreat.html>

[٩٩]: <http://en.wikipedia.org/wiki/Dhul-Qarnayn>

[١٠٠]: [http://en.wikipedia.org/wiki/Alexander\\_the\\_Great\\_in\\_the\\_Quran](http://en.wikipedia.org/wiki/Alexander_the_Great_in_the_Quran)

[١٠١]: <http://alexandermosaik.de/en/>

[١٠٢]: <http://www.romancoins.info/MilitaryEquipment-Body-Armour.html#BodyArmour>

[١٠٣]: [http://en.wikipedia.org/wiki/Roman\\_military\\_personal\\_equipment](http://en.wikipedia.org/wiki/Roman_military_personal_equipment)

[١٠٤]: <http://www.roman-empire.net/highpoint/trajan.html>

[١٠٥]: <http://en.wikipedia.org/wiki/Trajan>

[١٠٦]: <http://www.roman-empire.net/highpoint/hadrian.html>

[١٠٧]: <http://en.wikipedia.org/wiki/Hadrian>

[١٠٨]:

<http://www.molon.de/galleries/Iran/Persepolis/Apadana/img.php?pic=١٢>

[109]:

<http://www.molon.de/galleries/Iran/Persepolis/Apadana/img.php?pic=12>

[110]:

[http://realhistoryww.com/world\\_history/ancient/Misc/Med/Alexander\\_mosaic/The\\_Alexander\\_Mosaic.htm](http://realhistoryww.com/world_history/ancient/Misc/Med/Alexander_mosaic/The_Alexander_Mosaic.htm)

[111]: <http://www.transoxiana.org/Eran/Articles/benjamin.html>

[112]: <http://www.chinaknowledge.de/History/Altera/yuezhi.html>

[113]: <http://en.wikipedia.org/wiki/Yuezhi>

[114]: [http://en.wikipedia.org/wiki/Tarim\\_mummies](http://en.wikipedia.org/wiki/Tarim_mummies)

[115]: [http://en.wikipedia.org/wiki/Germania\\_\(book\)](http://en.wikipedia.org/wiki/Germania_(book))

[116]:

[http://ancienthistory.about.com/od/europe/I/bl\\_text\\_Tacitus\\_Germania.htm](http://ancienthistory.about.com/od/europe/I/bl_text_Tacitus_Germania.htm)

[117]: [http://en.wikipedia.org/wiki/Alexander\\_the\\_Great](http://en.wikipedia.org/wiki/Alexander_the_Great)

[118]: <http://www.infoplease.com/ipa/A0800617.html>

[119]: <http://everydayfeminism.com/2014/06/dark-skinned-in-india/>

[120]: <http://www.patient.co.uk/health/sun-and-health>

[121]:

[http://www.betterhealth.vic.gov.au/bhcv2/bhcarticles.nsf/pages/Sun\\_protection\\_in\\_the\\_snow](http://www.betterhealth.vic.gov.au/bhcv2/bhcarticles.nsf/pages/Sun_protection_in_the_snow)

[122]: <http://www.sciencedaily.com/releases/2008/01/080130140343.htm>



[١٢٣]: [http://en.wikipedia.org/wiki/File:Huns\\_by\\_Rochegrosse.jpg](http://en.wikipedia.org/wiki/File:Huns_by_Rochegrosse.jpg)

[١٢٤]: [http://realhistoryww.com/world\\_history/ancient/China\\_٢.htm](http://realhistoryww.com/world_history/ancient/China_٢.htm)